

UNIVERSAL
LIBRARY

OU-232948

UNIVERSAL
LIBRARY

قانون محاکمات

کتبخانه تالیف و ترجمہ جامعہ عثمانیہ

۱۳۲۶



قانون محاکمات

جزائی



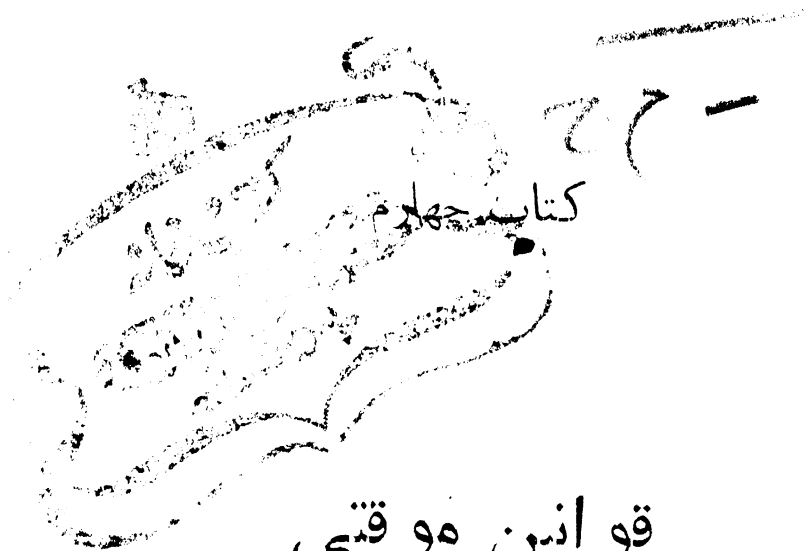
چاپخانه اتحادیه طهران لاله‌زار

موسیقی و تئاتر

تاریخ

پایان کار

۱۳۸۵



قوانین موقتی

محاکمات جزائی

چاپ چهارم تیر ماه ۱۳۰۹

چاپخانه « اتحادیه » لاله‌زار

— کتاب چهارم —

قوانین موقتی

محاكمات جزائی

مقدمه

ماده ۱ - اصول محاكمات جزائی عبارت است از ترتیبات و قواعدی که وضع شده برای کشف و تحقیق جرائم و تعیین مسئولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونیه ماده ۲ - محکومیت بجزاناشی از جرم است و جرم میتواند دو حیثیت داشته باشد .

(اول) حیثیت عمومی از جهتی که مغل نظم و حقوق عمومی است

(دویم) حیثیت خصوصی از آنجهت که راجع بتضرر شخص یا اشخاص یا هیئت معینی است علیهذا جرمی که دارای دو حیثیت است موجب دوا دعا میشود ادعای عمومی

برای حفظ حقوق عمومی و ادعای خصوصی برای مطالبه
ضرر و زیان شخصی

ماده ۳ - اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم بجرم
از حیث حقوق عمومی بر عهده اداره مدعی العموم است
واقامه دعوی از حیث ضرر و زیان شخصی بر عهده مدعی
خصوصی است (رجوع بماده ۹) مستثنیات این ماده در موارد
آته مصرح است .

ماده ۴ - در آن قسمت امور جزائی که راجع بمجا کم
صلاحیه است و حیثیت عمومی آنها دارای اهمیتی نیست
اقامه دعوی و تعقیب امر جزائی بر عهده مدعی خصوصی
است و همچنین موافق قوانین بعهده مأمورین نظمی است
که در این موارد تا اندازه که قانون معین کرده قائم مقام
مدعی العموم هستند

ماده ۵ - امور جزائی راجعه بمجا کم جنحه و
جنایت بر دو نوع است .

(اول) اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت
مخصوصی است .

(دویم) اموری که هر چند حیثیت عمومی دارد
ولی اهمیت آن از حیث نظام مملکتی و آسایش عامه

بدرجه امور نوع اول نیست

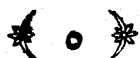
ماده ٦ - در امور جزائی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب برعهده مدعی العموم است چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده چه نکرده باشد در امور نوع ثانی مدعی العموم تعقیب نمینماید مگر این که بدو مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد

تبصره - تفکیک امور نوع اول از نوع دوم و تعیین اینکه کدام امر جزائی از کدام نوع است در قانون جزائی مصرح است

ماده ٧ - تعقیب امر جزائی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته اند

ماده ٨ - تعقیب امر جزائی که از طرف مدعی العموم موافق قانون شروع شده موقوف نمیشود مگر در موارد ذیل «اول» بواسطه فوت یا جنون متهم یا مقصر «دوم» در صورت صلح مدعی خصوصی و متهم در مواردی که بصلح طرفین تعقیب امر جزائی ترك میشود (رجوع بقانون جزا)

«سیم» در موقع صدور عفو عمومی در مورد



تفسیرات سیاسی «چهارم» در موافقی که بواسطه مرور زمان در موارد تفسیرات عرفی موافق مقررات قانون مملکتی تعقیب ممنوع است .

ماده ۹ - شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیانی (یعنی خسارت مالی) شده است و در ضمن ادعای عمومی (از طرف مدعی العموم) مطالبه غرامت و خسارت مینماید مدعی خصوصی محسوب می شود

ماده ۱۰ - هر گاه قبل از صدور حکم محکمه مجرم یا متهم فوت شود ادعای خصوصی بجای خود باقی خواهد بود کلیتاً اسقاط حقوق عمومی بجهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمیشود

ماده ۱۱ - بادعای خصوصی تا زمانی که متضمن

خلاف و یا جنحه و جنایت نباشد در محکمه جزا رسیدگی نخواهد شد

ماده ۱۲ - محاکم جزا حق رسیدگی را بادعای

خصوصی نسبت بضرر و زیان و خسارت که از خلاف یا جنحه و یا جنایت حاصل شده است ندارند مگر در صورتی که شخص متهم بواسطه حقوق عمومی جلب در وجه رسیدگی بچقوق عمومی حقوق خصوصی نیز معین

گردد در این صورت محاکم جزا در حقوق خصوصی
نیز حکم مقتضی صادر مینمایند

ماده ۱۳ - چون رسیدگی بدعوی خصوصی در
محاکم جزا فرع بر دعوی عمومی است پس از صدور
حکم دربرائت ذمه متهم محکمه جزا دیگر نمیتواند دعوی
خصوصی را تعقیب نماید ولی مدعی خصوصی در این
مورد میتواند بمحکمه حقوق رجوع نموده ضرر و زیان
خود را مطالبه کند .

ماده ۱۴ - پس از آنکه محکمه جزا در خصوص
دعوی عمومی حکمی صادر نمود در همان مجلس حکم
دعوی خصوصی را نیز صادر می کند و اگر حکم دعوی
خصوصی را صادر نکرد مدعی خصوصی در صورتیکه ایفای
حق خصوصی خود را بخواهد باید بمحکمه حقوق
رجوع نماید .

ماده ۱۵ - در صورتیکه کسی محکمه حقوق را ابتداء
مرجع دعوی خصوصی خود قرارداد دیگر دعوی مزبور
در محکمه جزا پذیرفته نمیشود و همچنین اگر کسی تا جلسه
اول محاکمه جزائی ادعای خصوصی نموده دیگر ادعای
مزبوره در محکمه جزائی پذیرفته نمیشود .

ماده ۱۶ - هرگاه کسی ادعای خصوصی در محکمه
جزا نمود ولی صدور حکم از حیث حقوق عمومی بچستی

از جهات قانونی بتأخیر افتاد مدعی خصوصی میتواند
 درباب مطالبه ضرروزیان خود بمحکمۀ حقوق رجوع نماید
 ماده ۱۷ - هرگاه ثبوت تقصیر متهم منوط است
 به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم
 حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزائی
 تعقیب نمیشود و اگر تعقیب شده معلق مینماید تا محکم
 قطعی از محکمۀ حقوق صادر شود



باب اول

در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول

در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق

جرائم مامورند

ماده ۱۸ - تحقیقات مقدماتی جرائمی که محاکمه

آنها را جمع بمحاکمه جنحه و جنایات است بهعهده مستنطق

است اداره نظمی و همچنین در مواردیکه قانون معین

میکند اداره ژاندارمی و امنیه در تحت نظارت مدعیالعموم

محکمه ابتدائی بمستنطق محکمه در کشف جرائم و

تحقیقات مقدماتی معاونت مینمایند و از این حیث از ضابطین

عدلیه محسوبند -

ماده ۲۹ - ضابطین عدلیه عبارتند از مامورینی

که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و

جنایت) و باقدماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از

فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید ضابطین مذکوره بترتیب ذیل تقسیم میشوند (اول) مدعی عمومی ابتدائی و معاونین او (دوم) مستنطق (سیم) کمیسرهای پلیس و قایم مقام آنان « چهارم » صاحبان مناسب و رؤساء بریکاد ژاندارم و امنیه مدعی عمومی رئیس ضابطین عدلیه محسوب ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزائی است حدود وظایف هر کدام از مأمورین مذکور بطوری است که در اینباب مقرر است

فصل دوم

در تکالیف کمیسرهای پلیس و قایم مقام

آنان از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند

ماده ۲۰ — کمیسرهای پلیس و قایم مقام آنان همینکه

از وقوع جرمی مطلع شدند هر گاه جرم بدرجه جنایت باشد فوراً مراتب را بمدعی العموم یا معاون او اطلاع میدهند و اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیقات نموده صورت مجلس را در صورت اولی « جنحه » نزد

مدعی العموم ابتدائی و در صورت ثانوی «خلاف» نزد
امین صلح میفرستند

ماده ۲۱ - وقتیکه علامات و امارات وقوع جرمی
مشکوک باشد یا نظیبه باخبار افواهی مطلع از وقوع جرمی
شود و یا کلیه اطلاعات نظیبه از منابع صحیحی نباشد
کمیسرهای نظیبه باید قبل از دادن اطلاع بمقامات لازمه
تحقیقات در صحت و سقم شایعه یا خبر بعمل آورده معلوم
نمایند که واقعه روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاد علائم
و آثار جرمی را داراست یا نه نتیجه تحقیقات خود را
در این موارد نظیبه بمدعی العموم ابتدائی یا معاون او
اطلاع میدهد و مشارالیه نظر بنتیجه تحقیقات دنبال کردن
تحقیقات و تعقیب مسئله را موقوف میدارد و یا تکمیل
آن را از نظیبه میخواهد

ماده ۲۲ - تحقیقات کمیسرهای نظیبه در مورد ماده
قبل عبارت است از تفتیش و تفحص و استعلامات شفاهی
و نظارت مخفی نسبت باشخاص مظنون بدون اینکه نظیبه
حق داشته باشد داخل شود بمنزل کسی برای معاینات
و بدست آوردن اسباب جرم و تحقیق آن واقعه

ماده ۲۳ - در موارد ذیل کمیسرهای نظیبه مکلفند

تا وقتیکه مدعی العموم یا معاون او در محل وقوع جرم حاضر نشده اقدامات لازمه را برای جلوگیری از اعدام و اضمحلال اثرات جرم و فرار مجرم یا متهم بعمل آورند (۱) در موارد جرایم مشهوده یعنی در صورتیکه مجرم در حین ارتکاب یا بلافاصله بعد از ارتکاب دیده شده (۲) در مواردیکه مجنی علیه یا مدعی و شهود واقعه مستقیماً شخص مظنون را نشان داده او را مرتکب جرم بدانند «۳» وقتی که در نزد متعم یا در خانه او علائم واضح جرمی کشف شود

«۴» در صورتیکه معلوم شود که اسباب و دلایل

جرم متعلق بمتهم است و یا نزد اوست

«۵» وقتیکه متهم قصد فرار داشته یا در حین

فرار یا پس از آن گرفتار شده

«۶» وقتیکه متهم اقامتگاه دائمی ندارد یا در

جائی مقیم نبوده و مسکن و ماوای معین ندارد

ماده ۲۴ - کمیسرهای نظمیه نمیتوانند قایم مقام

مستنطق واقع شده تحقیقات بعمل آورند مگر در موارد

جرم مشهود یا در موردیکه صاحب خانه خود دخول نظمیه

را بخانه خود تقاضا کند و همچنین در موردیکه درغیاب

مستنطق یا مدعی العموم میتوان علائم و امارات جرم را معدوم نمود در این موارد کمیسری های نظمی قائم مقام مستنطق واقم شده تحقیقاتی را که فوریت دارد بعمل میاورند تحقیقات مزبوره عبارت است از معاینات و تفتیش و تفحص در منزل مجرم و تحصیل و حفظ آلات و اسباب جرم در این موارد استنطاق متهم و طرفش و همچنین استماع شهادت شهود تا ورود مستنطق یا مدعی العموم بحمل وقوع جرم جایز است

ماده ۲۵ - اقدامات کمیسری های نظمی در مورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است « رجوع بفصل پنجم اینباب »

ماده ۲۶ - کمیسری نظمی بعد از ورود مستنطق یا مدعی العموم تحقیقاتی را که کرده بمشار الیه داده و دیگر مداخله نمیکند مگر اینکه تعلیماتی یا اموری از طرف مستنطق یا مدعی العموم بکمیسری نظمی رجوع شود

ماده ۲۷ - قواعد مقرر در این فصل راجع بکمیسری های نظمی همچنین شامل کدخدا و اشخاصی است که رسماً قائم مقام کمیسری های نظمی هستند

فصل سیم

در صاحبمنصبان و رؤساء بریکارد

ژاندارم و امنیه

- ماده ۲۸ - صاحبمنصبان ژاندارم و امنیه مکلفند کلیه وقایعی را که دارای حیثیت جنحه و جنایت است بمدعی العموم ابتدائی محل و نظمیّه اطلاع بدهند
- ماده ۲۹ - در صورتیکه رؤساء بریکارد ژاندارم و امنیه مشاهده کنند تا ورود مدعی العموم یا مستنطق ممکن است آثار و امارات جرم معدوم شود یا خود متهم فرار نماید باید اقدامات لازمه را برای جلوگیری از فرار متهم و اعدام آثار و علائم جرم بعمل آورند
- ماده ۳۰ - مدعیان عمومی و معاونین آنان میتوانند در مواردی که لازم بدانند تفتیشات راجعه بجرم را بصاحبمنصبان ژاندارم رجوع نمایند این تکلیف مدعی العمومی بر رؤساء ژاندارم کتباً یا شفاهاً ابلاغ میشود
- ماده ۳۱ - صاحبمنصبان ژاندارم در حین اجرای تفتیش موافق ماده «۲۲» رفتار مینمایند در صورتیکه

سوء تفاهمی حاصل شود یا دچار اشکالی شوند از مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزه آن واقعند تعلیمات لازمه را میخواهند و نتیجه تفتیش خود را نزد همان مدعی العموم ارسال میدارند

ماده ۳۲ — مدعیان عمومی هر گاه مشاهده کنند

که تفتیش اداره ژاندارم ناقص است می توانند تکمیل آنرا بخواهند .



فصل چهارم

در حدود اختیارات مدعی العموم

محکمه ابتدائی و مستنطق

مبحث اول

در حدود اختیارات مدعی العموم

ابتدائی و معاون او

ماده ۳۳ - مدعیان عمومی محاکم ابتدائی و معاونین آنان خودشان متصدی تحقیقات مقدماتی نمیشوند مگر در مورد مذکور در ماده « ۴۰ » ولی تعلیمات لازمه در این باب بمستنطقین داده به تحقیقات ایشان نظارت دارند .

ماده ۳۴ - مقدمات و اشخاص رسمی در مواردیکه باید جزائی را تعقیب نمود مراتب را بمدعی العموم اطلاع میدهند

ماده ۳۵ - نسبت به تفتیش جرم کمیسر های نظمیة و قایم مقام آنان در تحت اطاعت مدعیان عمومی هستند

ماده ۳۶ - مدعیان عمومی حق دارند در تحقیقات

مقدماتی حضور بهم رسانیده ترتیبات تحقیقات را مشاهده نمایند بدون اینکه بتوانند جریان تحقیقات را توقیف کنند

ماده ۳۷ - مستنطقین در موقع تحقیقات راجعه

بجناحه و جنایت تقاضای قانونی مدعی العموم را مجری داشته

مراتب را در صورت مجلس یا دفتر قید میکنند و هرگاه

در موقع اجرای تقاضای مدعی العموم مستنطق دچار اشکالی

شود حتی المقدور اجرای آن تقاضا را کرده در باب

اشکال بمدعی العموم رجوع کرده منتظر حل مشکل خود میشود

ماده ۳۸ - در موردیکه مستنطق متهم را توقیف

میکند باید فوراً بمدعی العموم اطلاع دهد و مشارالیه میتواند

توقیف را تصویب نکرده نظر باوضاع و احوال مسئله و

عدم وجود ظن کافی در باره متهم جنائی از مستنطق

تبدیل آنرا با اقدام دیگری که ملایم تر و خفیف تر باشد

بنماید در این صورت مستنطق امر مدعی العموم را مجری

میدارد در موردیکه مدعی العموم امر جنائی یا جناحه را

بمستنطق رجوع میکند باید در تقاضانامه خود اظهار دارد

که توقیف متهم لازم است یا خیر اگر مستنطق آن تقاضا

را لازم بداند بر طبق آن اقدام میکند و اگر رأی او

مخالف باشد حکم می‌دهد و دلایل خود را مشعر بر اینکه توفیق مورد نداشته اظهار میدارد و بلافاصله دوسیه کار را بمدعی العموم ابلاغ میکند و مشارالیه میتواند در ظرف ۲۴ ساعت نسبت بحکم مستنطق استیناف بخواهد

و همچنین هرگاه متهم توفیق شده و عقیده مستنطق بر رهنائی او باشد دوسیه کار را بمدعی العموم ابلاغ میکند و او دستور لازم را داده و مستنطق فوراً حکم خود را میدهد و اگر این حکم برخلاف دستور مدعی العموم باشد مشارالیه میتواند در ظرف ۲۴ ساعت بر حکم مذکور اعتراض کند و این اعتراض بحکمه استیناف داده میشود و در صورت اختلاف در صلاحیت محاکم مابین مدعی العموم و مستنطق در ظرف ۲۴ ساعت مدعی العموم میتواند نسبت بحکمی که مخالف رأی اوست استیناف بخواهد

ماده ۳۹ - در صورتیکه مدعی العموم یا معاون او تحقیقات مستنطق را ناقص به بیند میتوانند تکمیل آنرا از مستنطق بخواهند و او اینکه مستنطق تحقیقات خود را قابل بداند

ماده ۴۰ - مدعی عمومی در موارد جنایات مشهوده مستنطق را اخبار نموده ولی برای تفتیش و تحقیق مجبور نیست که انتظار او را داشته باشد بلکه خود را بمحل

وقوع جنایت فورا رسانیده تحقیقات لازمه را از استعلام از مطلعین و شهود کشف آلات و ادوات جرم و معاینه محل و غیره تا ورود مستنطق بعمل میآورد تحقیقات مدعی العموم در موارد جنایات مشهوده موافق ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی در فصل پنجم این باب مقرر است .

ماده ۴۱ - غیر از موارد جنایت مشهود مدعی العموم نمیتواند رأساً وظایف مستنطق را در تحقیقات مقدماتی و استنطاق بعمل آورد .

ماده ۴۲ - ردمدعی العموم از طرف مدعی خصوصی جایز نیست (رجوع بماده ۳۳۵)

مبحث دوم

در حدود اختیارات مستنطق

ماده ۴۳ - مستنطق فقط وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی مینماید که قانوناً این حق را داشته باشد رجوع بماده [۵۴] و ماده [۶۰]

ماده ۴۴ - مستنطق باید با کمال بیغرضی تحقیقات را نموده در کشف اوضاع و احوالی که بر نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد .

ماده ۴۵ - مستنطق در تحصیل و جمع آوری اسباب دلایل جرم نباید بهیچوجه تعویق را جایز بدانند و باید

اقدامات فوری برای جلوگیری از اعدام یا اضمحلال
اثرات جرم بعمل آورد

ماده ۴۶ - مستنطق میتواند به تحقیقات کیسره‌های
نظمیه رسیدگی کرده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان
یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد بعمل آورد

ماده ۴۷ - تقاضای قانون مستنطق را باید نظمیه
و مقامات و ادارات رسمی فوراً بموقع اجرا بگذارند .

ماده ۴۸ - مستنطق میتواند تحصیل بعضی اطلاعات
را به نظمیه با تعلیمات لازمه رجوع کند

ماده ۴۹ - هرگاه بمستنطق در حین ایفای وظیفه
او مقاومتی شود مشارالیه حق دارد از قوای عمومی
(نظمیه و غیره) استمداد کند

ماده ۵۰ - هر یک از طرفین متهم ومدعی خصوصاً
بهمان جهت یا جهاتیکه موجب رد حکام عدلیه میباشد می
توانند اظهارنامه بخود مستنطق داده و او را رد کنند در موارد
رد مستنطق خودش نیز باید از اجرای تحقیقات و استنطاقات
استعفا نموده مراتب را بمحکمه ابتدائی اطلاع دهد .

ماده ۵۱ - هرگاه اظهار رد بمستنطق بشود مشارالیه
اظهارنامه را بمحکمه ابتدائی تقدیم کرده تحقیقات خود
را قبل از صدور حکم محکمه مذکور قطع نمیکند ولی اگر

خودش استعفا نماید مراتب را بمدعی العموم ابتدائی اطلاع داده دیگر به تحقیقات مداخله نمیکند

ماده ۵۲ - مستنطق نمیتواند بعد از اینکه متهم یا مجرم مخفی شده است با اینکه متهم یا مجرم معین نیست تحقیقات خود را موقوف بدارد .

فصل پنجم

در تحقیقات مقدماتی

مبحث اول

در صلاحیت مستنطقین

ماده ۵۳ - هر مستنطقی فقط در حوزه محکمه ابتدائیه که در آن ماموریت دارد ایفاء وظیفه مینماید .

ماده ۵۴ - مستنطق در صورت وجود جهات قانونی رجوع بماده ۶۰ در موارد ذیل شروع به تحقیقات مینماید

[۱] در صورت وقوع جنحه یا جنایت در حوزه ماموریت او

[۲] در صورتیکه جنحه یا جنایت در حوزه مستنطق دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جنحه و جنایت در حوزه او کشف شده باشد [۳] وقتی که متهم یا مظنون

بارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه او مقیم است ولو اینکه وقوع درحوزه مستنطق دیگری بعمل آمده باشد ماده ۵۵ - در موردی که جنحه یا جنایت در خارج حوزه مستنطق واقع شده ولی در حوزه او کشف یا مرتکب درحوزه اودستگیر شده است مستنطق بتقاضای مدعی العموم یا مستنطق حوزه وقوع جنحه یا جنایت تحقیقاتی را که مقتضی محلی است که متهم در آنجا بدست آمده است بعمل آورده نتیجه تحقیقات را باخود متهم (در صورتی که دستگیر شده باشد) نزد مستنطقی که در حوزه او جرم شده است میفرستند .

ماده ۵۶ - هرگاه جرمی درمحل مکشوف شده و مستنطق محل کشف را نداند که وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده مداومت می دهد تا وقتی که تحقیقات ختم یا محل وقوع جرم معلوم شود . ماده ۵۷ - هرگاه در مواردی که قانون معین

میکند استنطاق متهمین امر جزائی یا استماع شهود یا تحقیقات دیگری درمحلی که خارج از وقوع جرم است لازم شود در این صورت مستنطقی که مشغول رسیدگی است تعلیمات لازمه را در این باب بمستنطق محلی که باید تحقیقات در آنجا بعمل آید فرستاده و مستنطق آخری بعد از اجرای تحقیقات آن را امضاء نموده مهوراً نزد مستنطق اولی ارسال میدارد .

ماده ۵۸ - تحقیقات مقدماتی باید بقدر امکان سریع باشد و لذا روزهای تعطیل مانع از تحقیقات نمیشود .
 ماده ۵۹ - نظارت در تحقیقات بعهده مدعی العموم محکمه ابتدائی است که در حوزه ماموریت او تحقیقات بعمل می آید ولو اینکه تحقیقات راجع بامری باشد که خارج از قلمرو او اتفاق افتاده

مبحث دوم

در مواردیکه مستنطق بشروع در تحقیقات مکلف است

ماده ۶۰ - جهات ذیل جهات قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب میشود (۱) شکایات و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص (۲) اظهار و اعلام اداره نظمی و ژاندام و امنیه (۳) اظهار و اقرار مقصر (۴) تکلیف مدعی العموم (۵) نظر مستنطق در مواقع جرایم مشهوده در صورتیکه خودش شاهد تضیه باشد
 ماده ۶۱ - هرگاه کسی اعلام نماید که خود شاهد وقوع جنحه یا جنایتی بوده این اظهار برای شروع به تحقیقات کافی است و لو اینکه مستنطق دلائل دیگر برای اجرای تحقیقات نداشته باشد ولی اگر اعلام کنند

خودش شاهد قضیه نبوده بمحض اعلام نمیتوان شروع به تحقیقات نمود مگر اینکه دلایل صحت ادعا موجود باشد ماده ۶۲ - اخطارات بی امضاء را و همچنین هجوانامه و کاغذهای تهدیدآمیز بی امضارا نمیتوان جهت قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب داشت مگر اینکه نوشتجات بی امضاء مزبور دلالت کند بر سوء قصد مهمی^۱ می تواند باعث اختلال امتیث و انتظام عمومی شود در این موارد باید قبلا نظمیة تفتیش لازم را بعمل آورد و بعد در صورت لزوم پس از اجازه مدعی العموم تحقیقات مستنطق شروع میشود

ماده ۶۳ - شکایات برای شروع به تحقیقات کافی است و نه مستنطق میتواند در این مورد استتکاف از تحقیقات نماید نه مدعی العموم .

ماده ۶۴ - در شکایت باید نکات ذیل قید شود (۱) تاریخ و محل وقوع جنحه یا جنایت (۲) مظنون کی است و مدرک ظن چیست (۳) ضرر و زیانی که وقوع جرم بعمل آمده (۴) تعیین مقدار خسارات بطور تخمین هرگاه چنین ادعائی بشود

ماده ۶۵ - شکایات کتبی یا شفاهی راهمه وقت کمسری های نظمیة و ژاندارم ومدعیان عمومی ومعاونین آنان و مستنطق قبول مینمایند وشکایات شفاهی در

صورت مجلس قید و بامضای شاکی میرسد و اگر شاکی نتواند امضاء کند این نکته قید و مصدق میشود که شکایت شفاهی مطابق صورت مجلس است

ماده ۶۶ - در مواردیکه ممکن است ادعای جزائی صلح ختم شود یعنی در مواردیکه بعد از صلح طرفین مدعی العموم تعقیب نمی کند قبل از شروع به تحقیقات طرفین را مستنطق احضار کرد تکلیف صلح مینماید و هرگاه صلح انجام یافت یا مدعی بدون عندر موجه حاضر نشد تحقیقات موقوف میشود اگر متشکی عنه حاضر نشد حکم جلب او را میدهد

ماده ۶۷ - در حین تحقیقات شاکی حق دارد شهود تحقیق و دلایل خود را اظهار نماید و در تحقیقات حضور بهم رساند و سواد صورت تحقیقات و قرارهای مستنطق را بعد از تأدیه حق سواد بگیرد

ماده ۶۸ - شاکی میتواند تامین خسارات خود را بخواهد مستنطق در صورتیکه این تقاضای شاکی رامبتنی بر دلایلی دید بمحکمه جنحه رجوع نموده تامین خسارات شاکی را میخواهد

ماده ۶۹ - در صورتیکه خلاف عرض حال ثابت شود عارض غیر محق علاوه بر تأدیه خسارات طرف مخارج تحقیقات را نیز ادا مینماید

ماده ۷۰ - هر گاه مستنطق در اعلام و اخبار نظمیه دلایل کافی برای اقدام بتحقیقات ندید تکمیل تحقیقات را از نظمیه میخواهد و مراتب را بمدعی العموم اطلاع میدهد
ماده ۷۱ - مدعی العموم ابتدائی و معاون او میتواند

بموجب اطلاعات حاصله یا بنظر خودشان تقاضای اجرای تحقیقات وتعقیب امری را بنماید ولی تقاضای تحقیقات را بدون دلایل کافی نباید بکنند و اگر امر مشکوک است باید بواطه تفتیشات مخفی نظمیه تحصیل اطلاعات لازمه را بنمایند

ماده ۷۲ - هر گاه مستنطق در حین تحقیقات جرمی

کشف جرم دیگری نماید که بجرم اولی مربوط نیست اقدامات لازمه را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم ثانوی و جلوگیری متهم از فرار کرده مراتب را بمدعی العموم ابتدائی اطلاع میدهند و فقط پس از اجازه مشار الیه بتحقیقات مقدماتی جرم ثانوی شروع میکند

در تحقیقات مستنطق

مقاله اول

در معاینات محلی

ماده ۷۳ - معاینات محلی یا مستقیماً بتوسط مستنطق

بمعمل میاید یا بتوسط اهل خبره در حین معاینات محلی

اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند میتوانند حاضر شوند ولی مستنطق منتظر آنان نمیشود

ماده ۷۴ - معاینات محلی در روز بعمل میاید بااستثنای مواردیکه فوریت دارد

ماده ۷۵ - در حین معاینات و تحقیقات محلی مستنطق تمام آثار و علامات و مقتضیات محل را در نظر گرفته و آنچه را که دیده و کشف کرده در صورت مجلس قید میکند
ماده ۷۶ - برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی

از اهل محل شهود تحقیق دعوت میشوند و در موارد فوری مستنطق میتواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید در مورد نسوان زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت میشود

ماده ۷۷ - اشخاصی که برای حضور در معاینات محلی دعوت شده‌اند اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند و من به الکفایه نباشد بحکم مستنطق جلب می‌شوند

ماده ۷۸ - اهل خبره باید وقتی دعوت شوند که اظهار اطلاع در علمی یا فنی یا معلومات مخصوصه باریاب شغل یا کسی لازم باشد (مثل طیب - دواساز - نقاش - مقوم و غیره) اهل خبره باید شرایط شهود تحقیق را دارا باشند هر گاه اهل خبره بدون عذر موجه حاضر نشوند و من به الکفایه نباشد بحکم مستنطق جلب میشوند

ماده ۷۹ - تحقیقات اهل خبره در حضور مستنطق بعمل میآید مگر آنکه مانعی باشد

ماده ۸۰ - مستنطق مکلف است که سوالات لازمه را از اهل خبره کتبا و شفاها نموده در صورت مجلس قید نماید هرگاه مستنطق بعضی علائم و آثار در نظر گرفته اهل خبره میتواند از علائم مزبوره صرف نظر نموده اهمیت ندهند مگر اینکه برای کشف حقیقت اهمیتی داشته باشد

ماده ۸۱ - هرگاه اختلافی در عقاید اهل خبره حاصل شود یا عقیده آنان بنظر مستنطق مشکوک باشد مشارالیه اهل خبره دیگری دعوت می نماید و با عقاید اهل خبره را نزد متخصصین علم یافن فرستاده عقیده آنانرا میخواند

ماده ۸۲ - برای معاینه اجساد و اموات و جراحات و آثار و علائم ضرب و شتم و غیره مستنطق طیب را دعوت میکند در این موارد اطباء عدلیه دعوت میشوند و اگر اشخاص مذکوره نتوانند حاضر شوند یا درجائی از اطبای مذکوره نباشد طیب دیگر را میتوان دعوت کرد

ماده ۸۳ - مستنطق میتواند بدعوت یک طیب اکتفا نکرده چند نفر طیب دعوت نماید و طیبی که معالجه شخص متوفی را میکرده است مستثنی نخواهد بود

ماده ۸۴ - تا ورود طیب مستنطق اقدامات لازمه

را برای حفظ جسد متوفی و تحقیقات هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره بعمل می‌آورد

ماده ۸۵ - شهود تحقیق و سایر اشخاص که حق حضور را دارند میتوانند عقیده طیب را تردید نمایند و مراتب در صورت مجلس قید میشود .

ماده ۸۶ - طیب باید عقیده خودش را نوشته منتهی در ظرف سه روز بمستنطق بدهد

ماده ۸۷ - در صورت اختلاف آراء اطباء بامناقضت عقیده طیب با اوضاع و احوال واقع مستنطق عقیده طیب را نزد متخصصین میفرستند و اشخاص مذکوره بعد از خواستن توضیحات لازمه از طیبکه معاینه نموده عقیده خود را کتبا بمستنطق میدهند

ماده ۸۸ - هرگاه معلوم نباشد که متوفی کیست مستنطق علائم و اشکال او را صحیحاً در صورت مجلس قید کرده بعد برای اعلان بمطبوعات میفرستد

ماده ۸۹ - هرگاه در ضمن تحقیقات مستنطق مشاهده نماید که متهم مجنون یا ماعریش مختل است بتوسط طیب تحقیقات لازمه را بعمل آورده و بعد از استعلام از کسان و اقربای او مراتب را در صورت مجلس قید کرده دوسیه کار را نزد مدعی العموم ابتدائی میفرستد مدعی - العموم پس از مدافعه در دوسیه کار هرگاه تحقیقات مستنطق

واهل خبره را کامل دید و از صحت مطمئن شد نقضامه
ترك تعقیب را بدائره استنطاق فرستاده شخص مظنون
یا مختل المشاعر بداره مقتضیه برای اقدام لازمه میفرستد
و اگر اطمینان بصحت تحقیقات حاصل نکرد میتواند
تحقیقات اهل خیره دیگر را بخواهد
ماده ۹۰ - هرگاه اثرات جنون یا اختلال مشاعر
در متهم بعد از تحقیقات مقدماتی و استنطاق و قبل
از محاکمه ظاهر شود تحقیقات در خود محکمه جنحه
یا جنایت بعمل میآید

مقاله دوم

در تفتیش منزل و تحصیل آلات

و ادوات جرم و اسباب تحقیق

ماده ۹۱ - تفحص در منازلی در مواردی بعمل میآید
که بر حسب دلایل کافی نتوان تصور نمود که مرتکب یا
اسباب و آلات جرم یا دلایل آنرا در محلی میتوان
کشف کرد

ماده ۹۲ - تفحص در حضور صاحبخانه و شهود
تحقیق بعمل میآید و در صورتیکه صاحب خانه غایب باشد
در حضور عیال یا بزرگتر خانه بعمل میآید

ماده ۹۳ - اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند میتوانند در موقع تفحص و تجسس حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمیتوانند داخل شوند مگر با اجازه صاحبخانه

ماده ۹۴ - تجسس در منازل روز بعمل میآید و در شب فقط در مواردی که ضرورت اقتضا کند جهت ضرورت را مستنطق باید در صورت مجلس قید کند

ماده ۹۵ - در صورت لزوم مستنطق میتواند دخول محل تفحص و خروج از آن محل را قدغن نماید و برای اجرای این حکم از نظمیة یا اشخاص دیگر مستحفظ بگمارد

ماده ۹۶ - در صورتیکه صاحب خانه حکم مستنطق را در باز کردن محلها و اشیاء بسته مجری ندارد مستنطق میتواند حکم باز کردن را بدهد ولی مستنطق مکلف است که حتی القوه از اقداماتی که باعث تضییع اشیاء میشود احتراز نماید .

ماده ۹۷ - از اوراق و نوشتجات متهم فقط آنچه که راجع بواقعه جرم است تحصیل و بشهود تحقیق ارائه میشود و مستنطق مکلف است که در باب سایر نوشتجات متهم با کمال احتیاط رفتار نموده موجب افشای مضمون نوشتجاتی که راجع بجرم نیست نشود

ماده ۹۸ - مقامات و مامورین دولتی نمیتوانند از دادن اسباب و آلات جرم به مستنطق امتناع نمایند

ماده ۹۹ - در مواردیکه لازم شود نوشتجات متهم

جنایت یا نوشتجاتی که با اسم متهم توسط پستخانه یا تلگرافخانه وارد شده است معاینه و تفتیش شود از قرار ذیل رفتار میشود :

(۱) مستنطق هر دفعه علیحده بآداره پستخانه یا تلگرافخانه اطلاع میدهد که مکتوب یا تلگراف متهم بجنایت را توقیف نموده نزد مستنطق بفرستد و بعد از وصول مکتوب یا تلگراف آنرا در حضور متهم باز کرده صورت مجلسی در آن باب ترتیب داده خودش و منشی و متهم امضاء میکنند اگر متهم نخواهد امضا کند مراتب قید میشود (۲) نوشتجاتی که برای کار اهمیت دارد داخل دوسیه میشود و آنچه راجع بکار نیست بصاحبش مسترد و قبض رسید دریافت میشود

ماده ۱۰۰ - در مواردی که تحصیل اطلاعات در باب نوشتجاتی که از متهم صادر و با اسم متهم وارد می شود از پستخانه یا تلگرافخانه لازم شود (بدون معاینه و تفتیش خود مکتوب) مستنطق میتواند رأساً از ادارات مزبوره کسب اطلاع کند .

ماده ۱۰۱ - مباشرین ثبت اسناد باید بتقاضای مستنطق دفاتر خود را باو نشان بدهند

ماده ۱۰۲ - هرگاه متهم نوشتجات خود را برای استتار بوکیل خودش سپرده باشد مستنطق حق دارد که نوشتجات مذکوره را در حضور وکیل معاینه نماید

ماده ۱۰۳- آلات و ادوات جرم از قبیل حربه و اسلحه
 و اسناد ساختگی و سکه تقلب و کلیه اشیائی که در حین تفحص
 بدست آمده و موجب کشف جرم یا موجب اقرار متهم بجرم
 خود تواند بود باید ضبط شده و در صورت مجلس هر
 يك از اشیاء مزبوره تعریف و توصیف شود
 ماده ۱۰۴- آلات و ادوات جرم را باید نمره

گذاشته و مهر نمود و حفظ نمود

ماده ۱۰۵- هرگاه دلائل جرم چیزی باشد که نتوان
 از محل مجزی و خارج نمود (مثل خونی که ریخته)
 در این صورت مستنطق باید اقدام در حفظ دلائل مزبور
 بعمل آورد و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم
 کرده نظارت آنرا به پلیس یا مستحفظ مخصوص بسپارد
 ماده ۱۰۶- اشیاء مایع که قابل تجزیه است بقدر
 لزوم تحصیل میشود اشیاء مزبوره را باید در ظرفی ریخته
 مهر و موم کرده بقسمی که ضایع و تقریط نشود از اشیاء
 مایع باید سه ظرف برداشته شود

ماده ۱۰۷- در مقابل اشیاء و آلاتی که تحصیل
 میشود باید بصاحب آن قبض رسید داده شود اشیاء مسروقه
 که در منزل متهم یافت میشود باید بصاحبان آن اشیاء
 مسترد و قبض رسید دریافت شود مگر در صورتیکه وجود
 اشیاء مزبوره در مورد استنطاق و مجا که لازم باشد
 که پس از رفع حاجت بصاحب آن مسترد خواهد شد

مبحث چهارم

دراحضار و استنطاق متهم

ماده ۱۰۸ - احضار متهم بواسطه احضارنامه بعمل

میآید و احضارنامه در دو نسخه فرستاده شده يك نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده بمأمور احضار رد میکند

ماده ۱۰۹ - در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود

ماده ۱۱۰ - هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد

مضمون احضارنامه در حضور دو نفر شاهد تحقیق ابلاغ میشود باقی ترتیبات تبلیغ احضار نامه بطوری است که در قوانین مجازات حقوقی مصرح است

ماده ۱۱۱ - هرگاه مأمورین محل اقامت احضار شده

را پیدا نکنند یا محل معین نباشد احضار نامه توسط مطبوعات اعلان میشود

ماده ۱۱۲ - احضار شده باید شخصاً حاضر شود و اگر

میتواند حاضر شود باید اعتذار موجه خود را ثابت کند .

ماده ۱۱۳ - جهات ذیل عذر موجه محسوب است :

(۱) نرسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن آن بقسمی که مانع

از حضور در وقت مقرر شود (۲) مرضی که مانع از حرکت

است (۳) فوت یکی از والدین یا زوج یا زوجه و یا اولاد

ویا مرض سخت یکی از اشخاص مذکوره (۴) ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن (۵) عدم امکان مراوده بواسطه بایات سماوی از قبیل امراض مسری (و با و طاعون و غیره) یا طغیان رودخانه و امثال آن ۶ در توقیف یا حبس بودن :

ماده ۱۱۴ - اشخاصیکه حاضر نشده و تصدیق هم در عدم امکان حضور نفرستاده باشند بحکم مستنطق جلب میشوند
 ماده ۱۱۵ - مستنطق میتواند در موارد ذیل بدون اینکه بدو احضارنامه فرستاده شده باشد حکم جلب را بدهد (۱) در مورد اتهام بجنایتی که مجازات آنها جزای تریبی و تزدیلی است « رجوع بقانون جزا » ۲ در مورد اتهام بجرمیکه در اهمیت کمتر از فقره اول است ولی بیدم فرار و مخفی شدن متهم میرود ۳ در مورد متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسبشان معین نیست .

ماده ۱۱۶ - جلب متهم بموجب ورقه جلب بعمل میآید ورقه جلب که مضمونش مضمون ورقه احضار است باید بمتهم ابلاغ شود .

ماده ۱۱۷ - رسانده ورقه جلب بعد از تبلیغ متهم را دعوت مینماید که با او نزد مستنطق برود و هرگاه متهم نامتناع نماید مأمور از قوای عمومی (نظمیه و مأمورین دولتی) استعانت مینماید و هرکس بمتهم کمک بنماید مشمول بوده

و موافق قانون مجازات میشود .

ماده ۱۱۸ - جلب متهم با استثنای موارد فوری روز بعمل میآید .

ماده ۱۱۹ - در صورتیکه متهم غایب باشد ورقه جلب بنظمیه

داده میشود که متهم را نزد مستنطق حاضر نماید

ماده ۱۲۰ - از زمانیکه بمتهم ورقه جلب ابلاغ

میشود تا وقتیکه در نزد مستنطق حاضر شود مشارالیه در

تحت نظر و محافظت خواهد بود .

ماده ۱۲۱ - مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب

کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست

داشته باشد .

ماده ۱۲۲ - هرگاه شخصی که حکم احضار یا حکم

جلب درباره او داده شد بواسطه مرضی نتواند در نزد

مستنطق حاضر شود بسته با اهمیت و فوریت اوضاع و احوال

امر جزائی مستنطق خود بمنزل مریض رفته استنطاق

لازم را بعمل میآورد و یا منتظر رفع مانعی شود .

ماده ۱۲۳ - مستنطق مکلف است که در ظرف

بیست و چهار ساعت از زمان حاضر شدن یا احضار کردن

متهم استنطاقات اولیه را بعمل آورد و در ظرف این مدت

اگر شروع در استنطاقات نشده باشد مستحفظین متهم را نزد

مدعی العموم ابتدائی برده و مشارالیه استنطاق فوری او را

از مستنطق میخواهد و اگر مستنطق امتناع ورزد و یا غایب

باشد و یا اینکه عذر موجهی در تأخیر استنطاق داشته باشد

مدعی العموم استنطاق را از رئیس یا یکی از اعضاء محکمه ابتدائی که خودش معین میکند میخواهد

ماده ۱۲۴ - هرگاه متهمی بر حسب احضار یا جلب بیش از بیست و چهار ساعت در توقیف بماند بدون اینکه مستنطق از او استنطاق نماید و بطوریکه در ماده قبل ذکر شده پس از حاضر شدن متهم در نزد مدعی العموم اقدامی در استنطاق او نشود اینگونه توقیف در ردیف توقیفاتی است که باراده شخصی بعمل آمده در این صورت هر يك از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده اند از شغل خود منفصل میشوند .

مستنطق و مدعی العموم نیز در ازاء تخلفی که از وظایف قانونی خود نموده اند از شغل خود منفصل خواهند شد

ماده ۱۲۵ - مستنطق قبل از استنطاق تحقیق هویت متهم را نموده و میگوید بچه تقصیر متهم شده است سئوالات باید مفید و روشن باشد و هرگاه متهم بسئوال مستنطق جواب ندهد مراتب در صورت مجلس قید میشود و مستنطق سئوالات و اقدامات قانونی دیگر که برای کشف حقیقت لازم است میکند

ماده ۱۲۶ - متهمین منفرداً استنطاق میشوند و نباید با همدیگر داخل در مذاکره و مواضعه شوند .

ماده ۱۲۷ - جوابهم باید بهمانطوریکه داده میشود بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود متهمین باسواد خودشان جواب سئوالات را مینویسند .

مبحث پنجم

در اقدامات یکم برای جلوگیری

از فرار یا مخفی شدن متهم بعمل می‌آید
 ماده ۱۲۸ - اشخاصیکه در تحت استنطاق
 هستند نباید از شهر یا حوزه استنطاقه در آنجا بعمل
 می‌آید خارج شوند

ماده ۱۲۹ - برای جلوگیری از فرار یا
 پنهان شدن متهم موافق ماده (۱۳۰) اقدامات ذیل
 بعمل می‌آید (۱) التزام عدم حرکت از محل اقامت و
 حاضر شدن برای استنطاق و محاکمه و اجرای حکم در مواقعیکه
 متهم احضار میشود (۲) ودیعه گذاشتن و جه‌الضمانه (۳) دادن
 کفیل (۴) توقیف موقت

ماده ۱۳۰ - در جرمهاییکه بدرجه جتایت بوده و مجازات
 آن جزای ترهیبی یا ترذیلی است متهم را میتوان موقتا توقیف
 نموده و همچنین در مواردیکه جرم منسوب بمتهم جزای
 ترهیبی یا ترذیلی ندارد ولی محل اقامت و شغل متهم معین
 نبست توقیف جایز است مگر اینکه متهم کفیل بدهد در سایر
 موارد منوط بنظر مستنطقی است که بر حسب اهمیت
 جرم یکی از تأمینات مذکوره در ماده قبل را از متهم بخواهد
 و مستنطق در کلیه مواردیکه موافق این ماده و ماده قبل حکم

توقیف میدهد یا تامین میخواهد فقط بشدت مجازات نباید نظر داشته باشد بلکه دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار و اعدام اثرات جرم و همچنین چگونگی مزاج متهم و سن او و حیثیت او را باید منظور دارد .

ماده ۱۳۱ - هر شخص باثروت یا شرکتی میتواند کفیل متهم شده و مسئول وجه معین در صورت فرار او بشود وجه الضمانه ممکن است وجه نقد یا منقول معین باشد و وجه الضمانه را چه خود متهم و چه شخصی دیگری در عوض متهم میتواند بدهد مستنطق مبلغ وجه الضمانه یا ضمانت نقدی کفیل را نظر بشدت مجازاتیکه برای متهم پس از محکوم شدن او مقرر است معین میکند و استطاعت کفیل یا کسی که وجه الضمانه را ودیعه میگذارد نیز منظور میشود

ماده ۱۳۲ - مبلغ وجه الضمانه با ضمانت کفیل باید در هر حال کمتر از خساراتی باشد که مدعی خصوصی تقاضا میکند

ماده ۱۳۳ - مستنطق در باب قبول وجه الضمانه یا کفیل فراری داده آنرا امضاء کرده کفیل یا دهنده وجه الضمانه نیز امضا مینماید و سواد مصدق از قرار بدهنده وجه الضمانه یا کفیل داده می شود

ماده ۱۳۴ - در صورتیکه متهم فرار نماید از وجه الضمانه یا وجهی که کفیل در صورت فرار متهم ضمانت کرده بدو خسارات و غرامات مدعی خصوصی تادیه میشود

ماده ۱۳۵ - متهمی
موقت خود (خودش یا شخص
بدهد یا وجه الضمانه و دیعه بگ
بعمل نیاورده است در توق
یا و دیعه وجه الضمانه متهم
(۱۲۹) تخلف نماید

ماده ۱۳۶ - هرگاه
شده و سرپیچی از اطاعت
مواقعی که متهم بواسطه عذر
مستردو یا کفیل از مسئولیت
ماده ۱۳۷ - حکم ت
حین فرستادن او بتوقفگاه
به توقفگاه فرستاده شود

ماده ۱۳۸ - در توق
دادن متهمین و مقصرین مؤ
رسید گرفته بمستنطق تسلیم

مبحث

دراحضار شهود تحقیق
ماده ۱۳۹ - مستنطقا
نامه و اخبار نامه اسم برده شد

معین کرده و کسی را که مستنطق میدانده از واقعه یا اوضاع و احوال مطلع است برای تحقیق احضار خواهد نمود احضار موافق اصول مقررہ بعمل میآید

ماده ۱۴۰ - شهود تحقیق و مطلعین بتوسط مامورین اجرا و یا در صورت نبودن توسط مامورین نظمیہ یا ژاندام بتقاضای مدعی العموم احضار میشوند

ماده ۱۴۱ - ژاندارم برای احضار شهود تحقیق یا مطلعین مامور نخواهد شد جز در مواردیکہ مشارالیه از حاضر شدن امتناع نماید .

ماده ۱۴۲ - در صورتیکہ یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نظامی باشد باید احضار او را لافل در مدت بیست و چهار ساعت قبل از زمان تحقیق و محاکمه از رئیس آن دسته کہ شخص مزبور در آنجا مستخدم است بخواهند و رئیس نظامی مکلف است کہ شخص احضار شده را در موقع بعدلیہ بفرستند

ماده ۱۴۳ - مستنطق شهود تحقیق و مطلعین را فردا فرد بدون حضور متهم احضار و سئوالات لازمه را مینماید و منشی اطلاعات ایشان را نوشته بهر و امضاء آنان مبرساند تجدید استعلام از شهود و مطلعین و مواجهه آنان در صورت اختلاف جایز است

ماده ۱۴۴ - استنطاق در هر مورد غیر علتی است

ماده ١٤٥ - شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهارات اطلاعات متعهد میشوند که جز به صدق و راستی چیزی نگویند و مستنطق قبل از شروع با استنطاق اسم و اسم پدر و شغل و منزل و محلی را که در آن متوطن است و درجه قرابت سیبی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن مطلع را نسبت بمذعی خصوصی یا متهم سؤال کرده کاتب مینویسد

ماده ١٤٦ - در صورتیکه یکی از مطلعین بواسطه ارتکاب تقصیری بمجازات محکوم شده یا بحد بلوغ نرسیده باشد مستنطق او را ملتزم نمینماید سوالات از او فقط برای مزید اطلاعات است کلیه در باب گرفتن التزام از شهود تحقیق و مطلعین و مستنطق موافق مواد (٢٤٤) الی ماده (٢٤٨) رفتار می نماید

ماده ١٤٧ - پس از آنکه شهادت یا اظهار اطلاعی تمام رسید منشی محکمه آنرا ترائت نموده بمهر و امضاء شاهد تحقیق یا مطلع میرساند و اگر ار مهر و امضاء امتناع ورزند یا اینکه نتوانند امضاء کنند مراتب در ورقه استنطاقیه قید میشود و هر یک از صفحات اوراق تحقیق باید بامضاء و مهر مستنطق و کاتب برسد

ماده ١٤٨ - قبل از آنکه شهود تحقیق و مطلعین شروع به اظهار و دادن باطلاعات نمایند مستنطق آنرا حاضر و غایب

نموده پس از آن هر کدام اصلاح میداند مقدّماتاً مؤخرأً احضار می کنند

ماده ۱۴۹ - مستنطق و منشی کلیه ترتیباتی را که در چهار ماه قبل ذکر شده باید کاملاً مراعات نماید و نقض کننده اگر منشی است ده تومان از مقرری او کسر میشود و اگر مستنطق است مورد شکایت و مسئولیت خواهد بود

ماده ۱۵۰ - در اوراق استنطاقیه نوشتن بین السطور و تراشیدن کلمات بکلی ممنوع است اگر يك يا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد باید بر روی آن خطی نازک کشیده شود و مستنطق و منشی و شخصی که طرف استنطاق است آن را قید و امضاء نماید و همچنین اگر يك يا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص مذکوره ذیل آن را امضاء کنند و هر گاه این ترتیب را مجری ندارند کلمه مزبوره از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۱۵۱ - هر يك از شهود تحقیق و مطلعین در روز موعود باید حاضر شوند در صورتیکه باختیار حاضر نشوند بر حسب رای مدعی العموم مستنطق می تواند آنانرا جلب نماید .

ماده ۱۵۲ - در صورتیکه شخص شاهد یا مطلع برآی حاضر نشدن خود عذر موجهی داشته باشد و مدعی العموم

آن عذر را بپذیرد احضاریه ثانوی فرستاده خواهد شد .

ماده ۱۵۳ - در صورتیکه یکی از مطلعین برای حاضر شدن عنوان ضرر و خسارتی از حیث شغل و کار خود بکند تعیین مقدار ضرر موافق تعرفه مقوره که وزارت عدلیه از روی تصدیق اهل خبره معین و اعلام خواهد کرد با مستنطق خواهد بود

ماده ۱۵۴ - در صورتیکه شخص شاهد یا مطلع مریض باشد و نتواند حاضر شود مستنطق خود بمحل اقامت مریض رفته استنطاق میکند و اگر بعد مسافت مانع باشد در صورتیکه اقامتگاه مطلعین در همان حوزه ابتدائی که مستنطق در آن مأموریت دارد واقع است بامین صلح اقامتگاه مطلع تعلیمات لازم را میدهد که اظهارات مطلعین را استماع نموده صورت آنرا برای مستنطق ارسال دارد و هرگاه محل اقامت مطلعین در حوزه ابتدائیه دیگری باشد بمستنطق آن حوزه رجوع مینماید .

ماده ۱۵۵ - مدلول ماده قبل نیز شامل مواردی است که عهده شهود تحقیق و مطلعین زیاد بوده و در يك محل مقیم باشد یا استنطاق شاگردان مدارس و مكاتب لازم شود .

ماده ۱۵۶ - در صورتیکه محکمه از مستنطق که در شهر دیگر اقامت دارد استعلامات لازم را مینماید آن مستنطق را فقط

بعنوان شغل رسمی خطاب خواهد نمود و در صورت تعداد مستنطقین هر يك از آنان میتوان اقدامات نموده جواب و تحقیقات خود را کتباً بمحکمه مزبوره ارسال دارند .

مبحث هفتم

در تحقیقات محلی

ماده ۱۵۷ - هر گاه لازم شود برای توضیح مسائل و نکات لازمه در باب شغل و حالات متهم تحقیقات محلی بعمل آید و همچنین در مواردیکه متهم با اطلاعات اهل محل استناد مینماید مستنطق تحقیقات محلی را مجری میدارد ماده ۱۵۸ - مستنطق تاریخ تحقیقات محلی را بمدعی العموم محکمه ابتدائی یا معاون او اطلاع میدهد و هر گاه متهم که در تحت توقیف است مایل باشد که در تحقیقات حضور بهم رساند بمحل تحقیقات فرستاده میشود

ماده ۱۵۹ - مستنطق بعد از ورود بمحل موافق قواعدی که در اصول محاکمات حقوقی برای تحقیقات محلی مقرر است رفتار مینماید

ماده ۱۶۰ - اشخاصیکه تحقیقات از آن بعمل میاید بدو ملتزم میشوند که بر خلاف صدق چیزی نگویند

باب دوم

در قرار جلب بمحاكمه یا منع آن

فصل اول

در اوامر مستنطق و مدعی العموم

✽ محکمه ابتدائی پس از ختم تحقیقات ✽

ماده ۱۶۱ - پس از آنکه استنطاق متهم تمام شد مستنطق بمتهم اعلام میدارد که اگر در برائت خودش باز اظهاری دارد بنماید و پس از اظهار آخری متهم مستنطق تحقیقات را ختم و بعد از اظهار عقیده خود در ذیل تحقیقات امر ابلاغ آنرا بمدعی العموم درج نموده صورت تحقیقات و استنطاقات را نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی ارسال میدارد

ماده ۱۶۲ - اگر مستنطق را عقیده بر آن شد که عمل شخص متهم متضمن هیچ جرمی از خلاف یا جنحه یا جنایت نیست عقیده خود را بر عدم تقصیر مشارالیه در ذیل تحقیقات اظهار میدارد اگر عقیده مستنطق بر تقصیر متهم است صریحاً آنرا قید میکند

ماده ١٦٣ - مدعی العموم محکمه ابتدائی باید در ظرف سه روز دوسیه تحقیقات و استنتاجات را ملاحظه نموده تقاضانامه خود را در ذیل دوسیه نوشته بمستنطق معاودت دهد

ماده ١٦٤ - در صورتیکه بنظر مدعی العموم تحقیقات و استنتاجات کامل نباشد در تقاضانامه خود میتواند تکمیل آنرا از مستنطق بخواهد

ماده ١٦٥ - هر گاه عقیده مدعی العموم بر بی تقصیری متهم باشد در تقاضانامه امر بعدم تعقیب محاکمه داده و اگر بر عکس عقیده مدعی العموم بر تقصیر متهم باشد امر جلب مقصر را بمحاکمه میدهد .

ماده ١٦٦ - پس از آنکه دوسیه تحقیقات و استنتاجات با تقاضانامه مدعی العموم بمستنطق اعاده داده شد مشارالیه در صورتیکه با عقیده مدعی العموم موافق باشد در صورت تقصیر متهم دوسیه تحقیقات را بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد ارسال میدارد بدین ترتیب که اگر امر جزائی خلاف است بمحکمه خلاف و هر گاه جنحه یا جنایت است دوسیه را بمحکمه جنحه یا جنایت میفرستد و در صورت عدم تقصیر امر به آزادی متهم مینماید

ماده ١٦٨ - هر گاه موافقت عقیده مابین مستنطق و مدعی العموم حاصل نشود [یکی متهم را مقصر و دیگری

بی تقصیر بداند یا بالعکس) رفع اختلاف راجع بمحکمه استیناف شده موافق قرار محکمه مذکوره رفتار میشود ماده ۱۶۸ - مدعی العموم تکمیل تحقیقات و

استنطاقات را در صورتی میتواند بخواهد که نقصان آن از جهت یا جهات مهمه باشد لذا اگر مدعی العموم بواسطه نواقص غیر مهمه تکمیل تحقیقات را خواسته عملی را معوق بدارد قانوناً مسئول خواهد بود

ماده ۱۶۹ - مدعی العموم در حینی که منع

جلب بهجا گمه را میدهد میتواند تقاضا نماید که نسبت باقدماتی که برای جلوگیری متهم از قرار یا مخفی شدن شده است تخفیف یا شدید بعمل آید

ماده ۱۷۰ - در تقاضانامه مدعی العموم باید نکات

ذیل تصریح شود (۱) اسم و شهرت و سن و محل اقامت متهم (۲) در تحت توقیف است یاد آرد (۳) بچه تقصیر متهم است (۴) نتیجه تحقیقات و دلایل اتهام (۵) مقصر است یا بی تقصیر در صورتیکه متهم را مدعی العموم مقصر بداند باید تصریح کند (۱) اول تقصیر متهم موافق قانون چه جرمی است (دوم) تاریخ و محل وقوع جرم

ماده ۱۷۱ مدعی خصوصی در کلبه مواردی که

او امر مستنطق حقوق او را تضییع یا تضییق مینماید میتواند

اعتراض کنند اما شخص متهم نمیتواند اعتراض نماید جز در مورد حکم توقیف موقت تمام اعتراضات باید در مدت بیست و چهار ساعت بشود اگر اعتراض از طرف مدعی العموم باشد ابتدای مدت مزبوره از روز صدور امر محسوب میشود و اگر اعتراضی از طرف مدعی خصوصی یا شخصی متهمی که در توقیف نیست بشود ابتدای مدت از روز ابلاغ بدعی خصوصی یا متهم و یا محل اقامت آنان خواهد بود و اگر راجع به منتهی باشد که در توقیف است از روزی محبوس میشود که امر در محل توقیف بتوسط منشی محکمه باو اعلام شده است ابلاغات و اعلامات باید در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از صدور امر بشود ماده ۱۷۲ - اعتراض بمحکمه استیناف داده میشود و هیئت محکمه معجلا رسیدگی میکند آلات و ادوات استنطاقیه نیز بمحکمه مزبوره فرستاده میشود ،

ماده ۱۷۳ - شکایات و اعتراضات را می توان قبل از شروع محکمه بمحاکمه نمود هر گاه شکایت شفاهی باشد در دفتر نوشته شده بامضای شاکی میرسد و اگر نتواند امضاء کند قید میشود ،

ماده ۱۷۴ - اعتراض باعث توقیف جریان تحقیقات و استنطاقات نمیشود و کلیه اقدامات مستنطق بحال خود باقی میماند تا حکم محکمه استیناف صادر شود اینها شخص متهم

که بحکم مستنطق توقیف شده بحال توقیف خواهد بود تا حکم محکمه استیناف صادر شود وای در مورد حکم آزادی متهم حکم مزبور با تحصیل تامين کافی مجری میشود .

ماده ١٧٥ - محکمه استیناف بعد از وصول اعتراض خارج از نوبت در جلسه اداری معمولی رسیدگی میکند عضو محقق راپورت مسئله را خوانده بصورت تحقیقات در صورت لزوم مراجعه میشود شاکی میتواند توضیحات دهد و محکمه پس از استماع عقیده مدعی العموم قرار لازم می دهد و قرار مزبور را به شاکی اطلاع داده فوراً مجری مبادارد و اگر شاکی سوادی از قرار محکمه بخواهد باید در ظرف سه روز داده شود

ماده ١٧٦ - شکایات از اداره نظمی و ژاندارم بمدعی العموم محکمه ابتدائی داده میشود .

فصل دوم

در رسیدگی استیناف

در موارد اختلاف بین عقیده مدعی العموم

ابتدائی و مستنطق

ماده ١٧٧ - رسیدگی محکمه استیناف از قرار ذیل است

(۱) عضو محقق دفتر تحقیقات را مطالعه کرده در محکمه مضمون آنرا شفاها اظهار داشته و نکات لازمه را خاطر نشان میکند و جاهائیرا که باید علنا قرائت کند قرائت مینماید

(۲) مدعی العموم محکمه استیناف عقیده مدعی العموم

محکمه ابتدائی را قرائت کرده و توضیحات لازمه را داده عقیده خود را اظهار مینماید

ماده ۱۷۸ - محکمه پس از رسیدگی موافق قواعد مقرره بدون حضور مدعی العموم مشاوره نموده قرار جلب مقصر را بمحاکمه یا منع تعقیب محاکمه را میدهد محکمه استیناف میتواند در صورت کافی نبودن تحقیقات قرار تکمیل آنرا بدهد

ماده ۱۷۹ - سواد مصدق قرار محکمه استیناف در باب جلب متهم بمحاکمه توسط مدعی العموم استیناف بمدعی العموم محکمه ابتدائی تبلیغ میشود و بر عهدہ مشارالیه است امور جنائی را در جائیکه محاکمه جنائی در محکمه ابتدائی میشود تعقیب نماید

ماده ۱۸۰ - هرگاه محکمه استیناف در باب منع تعقیب متهم و عدم جلب او بمحاکمه قرار داد دیگر او را نمیتوان تعقیب نمود مگر با اجازه محکمه استیناف و آنهم در صورتیکه بعد از منع تعقیب و محاکمه که بواسطه فقد دلائل کافی بوده دلائل کافی جدیدی کشف بشود

باب سوم

در محاکم جزائی خلاف جنحه و جنایت

فصل اول

در صلاحیت محاکم جزائی

ماده ۱۸۱ - جرائمی که رسیدگی با آنها راجع بمحاکم عدلیه است سه درجه تقسیم میشوند

(۱) جنایت (۲) جنحه (۳) خلاف

ماده ۱۸۲ - جنایت عبارت از جرمی است که جزای آن ترهیبی و ترذیلی با هم است یا فقط ترذیلی است (رجوع بقانون مجازات)

ماده ۱۸۳ - جنحه عبارت از جرمی است که جزای آن موافق قانون مجازات تادیبی است

ماده ۱۸۴ - خلاف عبارت از جرمی است که جزای آن تکدیری است چنانکه قانون مجازات معین میکند

ماده ۱۸۵ - رسیدگی بخلاف و همچنین جنحه - های کوچک که مجازات آن خفیف است از وظایف

محاکم صلحیه و رسیدگی بجنحه های بزرگ که مجازات آنها شدیدتر است راجع بمحکمه ابتدائی (محکمه جنحه) است
پنجانیات اصولا باید در محکمه جنائی که در محکمه استیناف

تشکیل میشود رسیدگی شود ولی مادامیکه محکمه استیناف در تمام حوزه های استینافیه تشکیل نشده برای سهولت جریان و عدم تعطیل و تعویق امور که از نقل متهمین جنائی از محلی بمحل های بعید در غیاب محکمه جنائی حاصل تواند شد محکمه ابتدائی بامور جنائی نیز رسیدگی میکند

ماده ۱۸۶ - محکمه ابتدائی در مواردیکه قائم مقام محکمه جنائی میشود موافق قواعدیکه برای محکمه جنائی مقرر است رسیدگی میکند

ماده ۱۸۷ - بجرمهای جنحه که بواسطه مطبوعات حاصل میشود در محکمه جنائی رسیدگی میشود

ماده ۱۸۸ - رؤسای محاکم ابتدائی و اعضاء آن در صورتیکه متهم به ارتکاب جنحه شوند پس از رسیدگی مجلس اداری عالی بنحوی که در قانون تشکیلات مقرر است در محاکم استیناف محاکمه می شوند و محاکمه رؤسا و اعضاء محاکم استیناف نیز پس از محاکمه اداری با دیوان تمیز است

ماده ۱۸۹ - هرگاه وزیری در زمان وزارت خود متهم بارتکاب جنحه یا جنائتی شود چه سیاسی باشد و چه غیر سیاسی در جلسه عمومی دیوان تمیز محاکمه میشود

ماده ۱۹۰ - هرگاه شخصی غیر بالغ مرتکب جنایات

شود در محکمه جنحه بان جنایت رسیدگی خواهد شد و اگر شخص بالغی در آن جنایت شرکت داشته باشد رسیدگی بمحکمه

جنائی راجع است .

ماده ۱۹۱ - صاحب منصبان و تائین نظامی بری و بحری و همچنین مستحفظین سر حدی هر گاه در موقعی که سر خدمت هستند متهم بارتکاب جنحه یا جنایتی شوند رسیدگی بان از خصایص محاکم نظامی است مستثنیات این ماده در موارد ذیل مصرح است

ماده ۱۹۲ - صاحب منصبان و تائین نظامی که جزو قشون ردیف یا احتیاطی محسوب میشوند در صورت اتهام بجنحه و جنایات در محاکم عمومی محاکمه میشوند مگر اینکه محقق شود که تقصیر آنان راجع بخدمات نظامی است .

ماده ۱۹۳ - همچنین صاحب منصبان نظامی متقاعد در مورد اتهام بجنحه و جنایت باید در محاکم عمومی محاکمه شوند مگر این که کشف شود که جرم آنان در زمانی واقع شده که در سر خدمت نظامی بوده اند یا جرم مزبور مربوط است بتکالیف نظامی آنان .

ماده ۱۹۴ - صاحب منصبان و تائین نظامی که در ادارات کشوری مشغول خدمتند در حکم صاحب منصبان نظامی هستند که در ماده قبل مذکور است یعنی در صورتیکه جرم آنان راجع به نقض تکالیف خدمت نظامی آنان نباشد در محاکم عمومی محاکمه می شوند

ماده ۱۹۵ - صاحب منصبان کشوری که در قشون ری و بحری مشغول خدمتند در صورتیکه جرم آنان راجع باشد بعدم اطاعت نظامی یا سایر تکالیف مقرره که برای خدمت آنان در جزو نظام معین شده است در محکمه نظامی و سایر موارد در محاکم عمومی محاکمه می شوند

ماده ۱۹۶ - در غیر موارد ماده قبل صاحب منصبان و مأمورین کشوری فقط در صورتی در محاکم نظامی محاکمه می شوند که در محصل ارتکاب جرم به طوری که قانون معین میکند حکومت نظامی اعلان شده باشد.

ماده ۱۹۷ هرگاه کسی متهم بارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد در محکمه محاکمه میشود که صلاحیت رسیدگی رابه مهم ترین جرم دارد

ماده ۱۹۸ - شرکاء و معاونین مجرم در محکمه محاکمه میشوند که صلاحیت حکم را در باره مجرم اصلی دارد.

ماده ۱۹۹ - هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در محکمه رسیدگی میشود که جرم در حوزه آن وقوع یافته و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود در محکمه بآن جرم رسیدگی می شود که مهم ترین از جرائم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرم های مرتکب از یکدرجه باشد محکمه که مرتکب درحوزه

آن گرفتار شده (یعنی دستگیر شده) بآن رسیدگی می نماید و در این مورد مستنطق هر محلی تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود بعمل آورده بمدعی العموم محکمه که باید رسیدگی نماید توجه تحقیقات را ارسال می دارد .

ماده ۲۰۰ ، هر گاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران بدست بیاید در محکمه محاکمه می شود که در حوزه او مقصرا یافته اند

فصل دوم

در رفع اختلاف راجع بصلاحیت

ماده ۲۰۱ - برای رفع اختلافاتیکه در مسئله صلاحیت فیما بین محاکم حاصل شده موافق مواد قوانین محاکمات حقوقی با رعایت مواد ذیل رفتار میشود

ماده ۲۰۲ - امور راجعه باختلافات مذکوره در ماده قبل در محکمه عالی (محکمه که از حیثیت درجه بالاتر است) در دو مورد ذیل طرح میشود (۱) به واسطه شکایت اشخاصیکه در امر شرکت دارند (ب) بتکلیف مدعی العموم

ماده ۲۰۳ - حدوث اختلاف در باب صلاحیت و طرح آن در محکمه عالی باعث توقیف تحقیقات مقدماتی نمیشود ولی شروع بمحاکمه و صدور حکم تا تسویه اختلاف

به تعویق می‌افند

ماده ۲۰۴ رفع اختلاف مابین محاکم و عدلیه نظامی بادیوان تمیز است که پس از خواستن توضیحات لازمه از وزارت جنگ رسیدگی کرده حکم میدهد ؛

فصل سوم

در احاله دعوی جزائی از محکمه بمحکمه

ماده ۲۰۵ - احاله دعوای جزائی از محکمه به محکمه (از حوزه بجوزه دیگر) باید با اجازه محکمه عالی (محکمه که از حیث درجه بالاتر است) باشد و استدعای احاله یا توسط محکمه تالی که مشغول رسیدگی اماری است بعمل می‌آید یا بتکلیف مدعی‌العموم محکمه مذکوره ماده ۲۰۶ - محکمه عالی احاله کار را از محکمه

تالی بمحکمه تالی دیگر (که هر دو در حوزه آن محکمه عالی هستند) در دو مورد ذیل اجازه می‌دهد (الف) در صورتیکه بیشتر متهمین یا شهود امری که وقوع یافته در حوزه محکمه دیگری اقامت دارند (ب) وقتیکه محل وقوع جرم از محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد دور است و محکمه دیگر بواسطه نزدیکی بهتر میتواند رسیدگی کند

ماده ۲۰۷ - دیوان تمیز حق دارد در غیر موارد مذکوره در ماده قبل هم اجازه احاله دعوی جزائی را از يك حوزه بجوزه دیگری بدهد در صورتیکه دیوان مزبور

این اقدام را برای صدور حکم در محکمه تالی از روی بی غرضی یا حفظ انتظام و امنیت عمومی لازم بداند .

ماده چهارم قانون ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶
 حکم احاله که بموجب ماده ۲۰ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیک دعوی از محکمه به محکمه دیگر بتوسط دیوان عالی تمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مامورین کشف جرایم و خواه به توسط مستنطق بعمل میاید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بآنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه میتواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امر را از دیوان مزبور بنماید

فصل چهارم

در رسیدگی محاکم صلاحیه

مبحث اول

در صلاحیت محاکم صلاحیه

در مواردیکه محاکم مزبوره شروع برسیدگی میکنند ماده ۳۰۸ --- محاکم صلاحیه بکلیه خلافها وهمچنین

بجنگه های کوچک رسیدگی کرده قطع و فصل مینمایند لهذا تقط اموری بمعنا کم صلحیه راجع است که مجازات آن بیش از یکماه حبس یا در موارد عرفی بیش از پنجاه تومان جزای ففدی نباشد

ماده ۲۰۹ - محکمه صلحیه در یکی از موارد ذیل شروع برسیدگی میکنند (۱) بموجب شکایات اشخاص بواسطه ضرر و زیانی که از جرم بانان وارد آمده (۲) بموجب اخبار کمیسرهای نظمیه و مامورین رسمی (۳) در موارد جرم مشهود

ماده ۲۱۰ - مدعیان خصوصی میتوانند شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند و کلا تابع قواعدی هستند که در قوانین نشکیلات عدایه و قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۲۱۱ - در عرضحال و شکایات باید قید شود
 (۱) اسم - اسم پدر و محل اقامت مدعی « ۲ »
 موضوع شکایت و اینکه در چه وقت واقع شده « ۳ »
 ضرر و زیانی که بمدعی وارد آمده است « ۴ »
 شخصی که طرف سوء ظن است و محل اقامت او « ۵ »
 مطلعین واقعه با دلائل قضیه (۶) تاریخ وقوع

ماده ۲۱۲ - عرضحال ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و اگر شفاهی باشد باید در دفتر محکمه صلحیه قید شده بعد از قرائت بامضای مدعی برسد و اگر نتواند امضاء نماید مراتب قید میشود

ماده ۲۱۳ - هر گاه طرف مدعی غیر معین بوده
 با دلائل اقامه دعوی کافی نباشد و امر از اموری باشد که
 اهمیت داشته و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل
 تعقیب و رسیدگی باشد محکمه صلاحیه بکمیسر پلیس یا قائم
 مقام او مراتب را اطلاع داده اجرای تحقیقات لازمه را میخواهد
 ماده ۲۱۴ - مدعی میتواند بدوادر باب ضرر و زیان
 خود بنظمیه رجوع نماید در این مورد نظمیه پس از تحقیقات
 اطلاعات و نتیجه تحقیقات خود را به محکمه صلاحیه میفرستد

ماده ۲۱۵ - اداره نظمیه و مامورین دولتی هر گاه
 جرائمی را کشف کنند که رسیدگی آن راجع به محاکم صلاحیه
 بوده و صرف نظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب
 باشد به محاکم صلاحیه اطلاع میدهند

در موارد مزبوره باید اطلاعات ذیل صریحاً در اعلاننامه
 قید شود (۱) جرم در کجا واقع شده است (۲) کی طرف
 سوء ظن است و بچه دایل (۳) مدعی و شهودی در قضیه هست
 یا نه (۴) محل اقامت اشخاص مذکور (در صورتیکه) باشند
 ماده ۲۱۶ - در مواردیکه اداره نظمیه و مامورین

دولتی اعلام جرمی به محکمه صلاحیه مینمایند در موارد ذیل
 میتوانند مقصر را با اعلاننامه به محکمه صلاحیه بفرستند (۱)
 در صورتیکه نظمیه مرتکب را در حین ارتکاب بدست آورده
 است و محل اقامت او معین نیست و نمیتوان اطمینان باظهار

او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود (۲) در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس است و احتمال میرود که آثار ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند

ماده ۲۱۷ - در موارد، جرائم مشهوده امین صلح در صورت لزوم تحقیقات لازمه اجرای آن را از نظمیة میخواهد و هر گاه نظمیة مسامحه در اجرای آن نماید امین صلح مراتب را بدمعی العموم محکمه ابتدائی اطلاع میدهد و همچنین است در مورد اقدامات خلاف قاعده صاحب منصبان ژاندارم

مبحث دوم

در احضار

ماده ۲۱۸ - احضار متهم یا مقصر توسط احضار نامه کتبی بعمل میاید

ماده ۲۱۹ - در احضار نامه باید قید شود (۱۰) اسم و شهرت کسی احضار میشود (۲) محکمه که احضار میکند (۳) جهت اظهار (۴) عدم نتیجه حضور

تبصره - قواعد تبلیغ احضار همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۲۲۰ - موعده احضار به لا اقل بیست و چهار ساعت از روز ابلاغ احضار نامه بطرف اقامتگاه او است

برای هر چهار فرسخ مسافت اقامتگاه متهم یا مدعی علیه از محکمه یکروز علاوه میشود هر گاه امر فوتی باشد متهم را میتوان زود احضار کرد

ماده ۲۲۱ - شخصی که احضار شده میتواند شخصاً حاضر شود یا وکیل بفرستد ولی اگر محکمه صلح حضور او را لازم دید باید شخصاً حاضر شود

ماده ۲۲۲ - در صورت ضرورت حضور متهم یا - مقصر هرگاه مشار الیه حاضر نشوند امین صلح ورقه جلب رای او بفرستد مضمون ورقه جلب مثل ورقه احضار است ماده ۲۲۳ - روز رسیدگی بمدعی اطلاع داده میشود

در موارد اعلاماتی که مأمورین دولتی در بابت جرمی داده اند خود یا نماینده آنان با وکالت نامه باید حاضر شوند.

ماده ۲۲۴ - مطلعین یا شهود تحقیق را اگر طرین خودشان نیاورده اند توسط محکمه احضار میشوند شهودیکه از تأمین نظامی هستند باید بتوسط رؤسای دسته ها نیکه در آنجا مشغول خدمت اند احضار شوند و هرگاه رؤساء تصدیق دهنده بواسطه خدمت نظامی نمیتوانند حاضر شوند در محل خدمت شهادت آنان اخذ میشود

ماده ۲۲۵ - هرگاه شهود بدون عذر موجه در روز مقرر حاضر نشوند و محل اقامت آنان در جائی است که بیش از دو فرسخ از صلحیه مسافت ندارد بحکم محکمه

جلب خواهند شد

ماده ۲۲۶ - شاهد میتواند در ظرف یک هفته عذر موجه خود را بصلحیه پیشنهاد کند و هر گاه محکمه صلح اعتذار او را پذیرفت جلب نشده احضار نامه ثانوی فرستاده خواهد شد

ماده ۲۲۷ - هر گاه عده شهود زیاد بوده و تماما در محلی مقیم باشند یا شاهد بواسطه مرض نتواند در محکمه حاضر شود در محل یا در منزل شخصی استماع شهادت آنان خواهد شد و هر گاه شاهد در حوزه محکمه صلحیه دیگری اقامت داشته و بعد مسافت بیش از دو فرسخ باشد میتواند شهادت او را توسط آن محکمه صلح استماع نمود

ماده ۲۲۸ - هر گاه محکمه از شهود و از باب

اطلاع کسب اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع گفته اند اعم از اینکه بر نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوی باشد (اولا) اگر شهادت جعلی آنان موجب خساراتی شده محکوم بتادیه آن خواهند بود (ثانیا) در هر حال کذب شهادت آنان با اعلان در عدلیه و مطبوعات نشر خواهد شد و هر گاه التزام داده باشند که بصحت ادای شهادت نمایند بحکم محکمه که صلاحیت دارد بمجازات قانونی محکوم میشود

ماده ۲۲۹ - مخارج احضار شهود و حق الزحمه

آنان در صورتی که مطالبه شود بعد از تعیین محکمه بعهده کسی است که بشهادت آنان استناد کرده و در موقع جزو مصارف عدلیه از محکوم علیه دریافت میشود

مبحث سوم

در تأخیر رسیدگی و اقدام

در ممانعت از فرار

ماده ۲۳۰ - تاخیر رسیدگی یا بتراضی طرفین و
بخواهش یکی از متداعیین بعمل میاید در صورت اخیری باید
خواهش تاخیر با دلیل باشد

۲۳۱ - در اوضاع و احوال کار و ضرورت
تحقیقات لازمه مستلزم تاخیر باشد محکمه صلح میتواند
خودش رسیدگی را بتاخیر اندازد

ماده ۲۳۲ - هرگاه بعد از انقضای مدت یکی از طرفین
حاضر نشد طرف دیگر میتواند در صورتیکه حضور او
را غائب تقاضا کرده باشد تادیه مخارج حاضر شدن خود
را از غائب مطالبه نماید و در صورتیکه غیبت شخص
غائب موجه نبوده محکمه صلحیه حکم تادیه آنرا میدهد

ماده ۲۳۳ - هیچکدام از طرفین نمیتوانند در حین
محاکمه بدون اطلاع محکمه صلح از محل اقامت خودشان
حرکت نمایند

ماده ۲۳۴ - در صورتیکه محکمه صلح احتمال فرار
متهم یا مقصر را بدهد پس از مطالبه مدعی بسته باهمیت

مسئله التزام عدم حرکت یا وجه الضمانه یا کفیل میگیرد

ماده ۲۳۵ - محکمه صلح مقدار وجه الضمانه را که

باید متهم یا دیگری از طرف متهم ودیعه بگذارد نظر

باهمیت مجازاتیکه پس از ثبوت تقصیر متهم داده میشود

و نظر باستطاعت کفیل معین مینماید .

ماده ۲۳۶ - در صورتی که ادعای مدعی مبنی بر

دلایل کافی باشد مقدار وجه الضمانه نباید کمتر از ادعای

ضرر مدعی خصوصی باشد .

ماده ۲۳۷ - قراریکه امین صلح در باب قبول ودیعه

گذاشتن وجه الضمانه میدهد باید خود امضا کرده وبامضای

ودیعه گذارنده یا کفیل نیز برسد .

ماده ۲۳۸ - ودیعه گذاشتن وجه الضمانه یا دادن

کفیل نقض ماده (۲۳۳) را نمیکند .

ماده ۲۳۹ - هرگاه متهم فرار نماید یا مخفی شود

وجهی که ودیعه گذاشته شده یا وجهی که از کفیل گرفته

میشود بتادیه ضرر و زیانی که مدعی خصوصی ادعا کرده

است صرف ومابقی از بابت مصارف عدلیه محسوب میشود .

مبحث چهارم

در رد امنای صلحیه

ماده ۲۴۰ مواد رد امنای صلح همان است که در ماده (۳۳۲) و (۳۳۳) این کتاب مقرر است در صورت رد اظهار آن را مدعی در موقع دادن عرضحال و مدعی علیه بامتهم در روز اول که بمحکمه حاضر میشود باید بنماید در صورت قبول رد یا استعقای امین صلح رسیدگی را بنزدیکترین محکمه صلح دیگر رجوع میکند.

مبحث پنجم

در ترتیب رسیدگی

ماده ۲۴۱ -- رسیدگی محکمه صلح علنی است باستثنای موارد ذیل که محاکمه بدون تماشاجی بعمل میاید (۱) در امور راجعه بحقوق خانواده (۲) در موارد راجعه بعصمت (۳) در مواردیکه علنی بودن محاکمه برخلاف اخلاق حسنه و حفظ امنیت و انتظام مملکتی است

ماده ۲۴۲ - طرفین چه حاضر باشند و چه نباشند

حق دارند برای مرافعه وکیل معین کنند.

ماده ۲۴۳ -- محکمه بد از اظهار مطلب و اقامه دعوی از متهم میسر شد که خود را مقصر میدانند یا نه هرگاه متهم ساکت شد یا انکار کرد شروع باستماع شهود و دلائل طرفین کرده رسیدگی میکند .

ماده ۲۴۴ -- شهادت اشخاص مفصله مسموع نیست (۱) شهادت مجانبین و اشخاص مختل العقل (۲) شهادت وکیل طرفی نسبت باقرار موکل خودش .

ماده ۲۴۵ - زوج یا زوجه متهم یا متهمه و همچنین اسلاف و اعقاب و برادر و خواهر او میتوانند از ادای شهادت امتناع نمایند و اگر امتناع نکردند بدون التزام شهادت آنان شنیده میشود .

ماده ۲۴۶ -- شهادت اشخاص ذیل را بدون خواستن التزام استماع مینمایند (اول) اشخاصیکه بجد بلوغ نرسیده اند (دوم) اشخاص مفصله ذیل در صورتیکه یکی از طرفین آنان را رد کرده باشند (۱) اشخاصیکه بواسطه ارتکاب به جنایات محکوم شده اند (۲) زوج یا زوجه مدعی خصوصی و اسلاف و اعقاب یا برادران و خواهران و سایر اقربای او تا درجه سیم (۳) اشخاصیکه ولی یا مباشر امور یکی از طرفین هستند یا با یکی طرفین محاکمه دارند .

ماده ۲۴۷ -- باستثنای مواردی که در موارد قبل مذکور

است. شهود باید قبل از دادن شهادت التزام دهند که

صحت و راستی ادای شهادت خواهند کرد .

[تنبیه] آنچه در شرایط شهادت در چهار ماه قبل

مذکور است راجع بشهود تحقیقی است اما شرایط بینه

شرعی که میزان قضاوت شرعی است همان شرایطی

است که در شرع مقرر است

ماده - ۲۴۸ هر دفعه که محکمه صلح شهادت شاهد

طرفی را استماع مینماید بطرف دیگر اظهار میدارد که

اگر از شاهد سئوالی لازم میدانند بنماید

ماده ۲۴۹ - حاکم صلح سئولاتی را که برای وقع

اختلاف و توضیحات مسئله لازم است از طرفین و

شهود آنان خواهد کرد در صورتیکه متهم جواب سئوالات

را ندهد محکمه صلح بدون اینکه متهم را بدادن جواب

مجبور کند شروع بر رسیدگی دلایل مینماید و دلایل

طرفی را به طرف دیگر اظهار داشته جواب میخواهد

ماده ۲۵۰ - در مواردیکه ممکن است دعوی بصلح

ختم شود محکمه صلح بر رسیدگی دلایلی که طرفی اظهار

مینماید اکتفا میکند

ماده ۲۵۱ - تحقیقات و معاینات محلی را در حین

مجا که خود امین صلح یا حاکم صلح یا کمیسر نظمیه یا صاحب

منصب ژاندارم بماموریت از طرف محکمه صلح بعمل میآورد

ونی واگذار کردن تحقیقات بعهدہ کمیسری نظمیه وصاحب منصبان ژاندارم یا قائم مقام آنان در صورتی جایز است که خود امین صلح یا حاکم صلح نتوانند بمعاذیر موجه شخصا اقدام نمایند و نیز تاخیر تحقیقات ممکن نباشد

ماده ۲۵۲ - هرگاه یکی از طرفین ایراد موجهی بصحت تحقیقات نظمیه بنماید محکمه صلح باید شخصا به تحقیقات مزبور رسیدگی کند

ماده ۲۵۳ - معاینات و تحقیقات محلی در حضور دو نفر شاهد و اشخاصیکه در امر جزائی شرکت داشته و حاضر شده اند بعمل میاید و در مورد تحقیقات در خانه کسی صاحب خانه برای حضور دعوت میشود و هرگاه مشارالیه نباشد یکی از اهل خانه که قائم مقام صاحب خانه است دعوت خواهد شد .

ماده ۲۵۴ - تحقیقات و تجسسات در منزل اشخاص باستثنای مواردیکه ضرورت اقتضاء کند در روز بعمل میاید
ماده ۲۵۵ - در مواردی که حضور اهل خبره لازم باشد دعوت میشوند

ماده ۲۵۶ - محکمه صلح مقدار ضرر و زیان و قیمت اشیائی را که موضوع ادعا است بعد از استماع دلائل طرفین و عقیده اهل خبره در صورتیکه عقاید آنان لازم باشد معین میکند

ماده ۲۵۷ — هر گاه اهل خبره در حین تحقیقات بدون عذر موجه حاضر نشوند جلب خواهند شد

ماده ۲۵۸ — محکمه صلح سن متهم را فقط در صورتی می‌پرسد که برای تعیین مجازات لازم باشد

ماده ۲۵۹ — در صورتیکه محکمه صلح مشاهده کند که کار از صلاحیت او خارج است باید مسئله را بمدعی العموم محکمه ابتدائی ارجاع نماید

ماده ۲۶۰ — در مواردیکه حاکم صلح یا امین صلح در ترتیبات رسیدگی و سایر امور دچار اشکالی میشوند مواد این فصل را با قوانین مجازات جزائی سایر محاکم تطبیق و رفع اشکال خودشانرا مینمایند

مبحث ششم

در حکم

ماده ۲۶۱ — محکمه صلح بعد از رسیدگی دلایل اظهارات و تحقیقات را در نظر گرفته تقصیر یا عدم تقصیر متهم را معین می‌کند و در صورت تقصیر مجازات را موافق قانون تشخیص داده حکم می‌دهد

ماده ۲۶۲ — در مواردیکه ممکن بصلح ختم میشود قبل از صدور حکم محکمه صلح جهد وافی در اصلاح ذات‌البین بعمل

میاورد و هر گاه موفق نشد حکم میدهد

ماده ۲۶۳ - محکمه صلح در دو صورت ثبوت تقصیر متهم را فوراً مرخص میکند و هر گاه محقق شود که ادعای مدعی مبنی بر غرض بوده او را بتادیه مصارف محاکمه و خسارت طرف در صورت ادعای او و ثبوت محکوم می نماید

ماده ۲۶۴ - هر گاه متهم مقصر شد علاوه بر مجازات محکوم خواهد بود بتادیه مصارف محاکمه و بتادیه ضرر و زیانی که از طرف مطالبه و ثابت نموده است

ماده ۲۶۵ - در صورتیکه مقصر محکوم بجزای نقدی شده و استطاعت تادیه آنرا نداشته باشد محکمه صلح مجازات او را موافق قانون تبدیل بجزای دیگری که مطابقت داشته باشد نموده مقدار آنرا معین میکند

ماده ۲۶۶ - احکام محکمه صلح در مورد جزاهای ذیل قطعی است (۱) تجدیر (۲) تو بیخ و شمات (۳) جزای نقدی الی پنج تومان « در موارد عرفی » « ۴ » توقیف الی دور روز

ماده ۲۶۷ - حکم محکمه صلحیه در تادیه خسارت الی ۲۰ تومان نیز قطعی است

ماده ۲۶۸ - آلات و اشیائی را که محکمه حین تحقیقات بدست آورده است میتواند بصاحب آنها رد کند ولی بشرط التزام که در حین رسیدگی در محکمه ابتدائی آلات

و اشیاء مزبور را در محکمه ارائه بدهند
 ماده ۲۶۹ - مضمون حکم را حاکم یا امین صلح نوشته
 و بعد از ختم رسیدگی علناً میخواند.

ماده ۲۷۰ - محکمه صلح بعد از اعلام حکم بطرفین
 اظهار میدارند که در چه موارد و در چه مدت میتوانند
 حکم محکمه را استیناف نمایند و هر گاه حق استیناف
 را ساقط کنند حکم محکمه قطعی شده فوراً اجرا
 خواهد شد

ماده ۲۷۱ - حکم بعد از اعلام باید در ظرف سه
 روز انشاء شود و در حکم باید نکات ذیل مصرح باشد
 (۱) تاریخ حکم (ب) اسم و اسم پدر اشخاصی که
 در امر جزائی دخیل بوده اند (ج) دلایل مدرک
 حکم (د) ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است
 (ه) تعیین مقدار مخارج محاکمه حکم باید بامضای
 امین صلح برسد

ماده ۲۷۲ - حکم محکمه در صورت مجلس یا در
 دفتر مخصوص ثبت میشود و سواد آنرا محکمه در صورت
 تقاضای یکی از طرفین باید تا روز سیم بدهد

مبحث هفتم

در احکام غیابی

ماده ۲۷۳ - هر گاه متهم در موعد مقرر حاضر

نشد یا اینکه در موقعیکه بایستی شخصا حاضر شود وکیل فرستاد محکمه پس از رسیدگی حکم غیابی موافق اصولی که برای محکمه جنحه مقرر است خواهد داد و همچنین در باب ضرر و زیان وارد بر مدعی خصوصی نیز موافق اصول مزبوره حکم غیابی میدهد

ماده ۲۷۴ - هرگاه مدعی یا شاکی بدون عذر موجه حاضر نشد و امر از اموری است که بصلح میتوان تمام کرد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد و در راهوریکه بصلح خاتمه پذیر نیست بدلائلی که مدعی در عرض حال اقامه کرده و حکم میدهد و این حکم را روز قرائت آن در محکمه علنی مثل این است که به مدعی اعلام شده باشد

ماده ۲۷۵ - سواد حکم غیابی بمحکوم علیه ابلاغ میشود و مشارالیه در ظرف ۵ روز میتواند بحکم مزبور اعتراض نماید

ماده ۲۷۶ - سایر ترتیبات حکم غیابی و رسیدگی بعد از اعتراض بطوری است که برای محاکم جنحه مقرر است

مبحث هشتم

در صورت مجلسی که محاکم صلح

ترتیب میدهند

ماده ۲۷۷ - محصل رسیدگی خود را محاکم صلح

در صورت مجلس یا در دفتر مخصوص قید میکنند و آن از قرار ذیل است (۱) تاریخ شروع بکار (۲) اسم متداعیین و وکلای آنان (۳) مفاد شکایت (۴) احضار طرفین و شهود و عدم حضور و جلب آنان و حکم جلب متهم و اقداماتی که برای جلوگیری از فرار شده است (۵) دلایل طرفین و شهادت شهود و گرفتن التزام از آنان و تحقیقات و معاینات محلی و عقیده اهل خبره (۶) علنی یا غیر علنی بودن محاکمه (۷) صلح طرفین و یا رجوع کار بمدعی (۸) مفاد حکم و تاریخ اعلام آن (۹) شکایت استینافی یا اعتراضی و فرستادن دفتر کار بمحکمه ابتدائی و گذشتن طرف یا طرفین از حق استیناف (۱۰) اقدامات برای اجرای حکم

ماده ۲۷۸ - شهادت شهود برای شهود و صلحنامه برای طرفین قرائت و پس از تصحیح هر گاه تصحیح لازم باشد در مورد اولی بامضای شهود و در مورد ثانوی بامضای متداعیین میرسد صورت مجلس معاینات و تحقیقات محلی برای طرفین و شهود و اهل خبره قرائت شده بامضای آنان و اشخاصیکه اجرای تحقیقات مزبوره نموده اند میرسد و اگر نتوانند یا نخواهند امضاء نمایند مراتب در صورت مجلس قید شود

مبحث نهم

در شکایت از احکام غیر قطعی

محاکم صلحیه

ماده ۲۷۹ - طرفین میتوانند از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه در کلیه مواردی که بآنان راجع است شکایت نمایند وای هرگاه ادعای جزائی از طرف کمیسر پلیس یا یکی از ادارات دولتی اقامه شده مدعی خصوصی فقط از حیث ضرر و زیان خود میتواند استیناف نماید

ماده ۲۸۰ - کمیسر پلیس یا کد خدا نیز می تواند از احکام مزبوره شکایت نماید و شکایت نامه خود را باید نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی بفرستند

ماده ۲۸۱ - مدعی العموم مختار است که بعد از تحقیق شکایت را بمحکمه صلح فرستاده توضیحات بخواهد یا از تعقیب شکایت امتناع نموده مراتب را بامین صلح اطلاع دهد

ماده ۲۸۲ . مدت شکایت استینافی از روز اعلام حکم ده روز است و برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز علاوه میشود

ماده ۲۸۳ -- شکایت کتبی است یا شفاهی و سواد آن بطرف ابلاغ میشود

ماده ۲۸۴ -- محکمه صلح پس از رسیدن عرضحال استینافی قبض رسید داده و در ظرف سه روز آنرا با متعلقات کار بمحکمه جنحه میفرستد و در صورتیکه مدعی العموم محکمه ابتدائی استیناف داده باشد نزد مدعی العموم ارسال میدارد

ماده ۲۸۵ -- در موارد ذیل از اقدامات و قرار های محکمه صلحیه میتوان قبل از صدور حکم شکایت نمود (۱) از تعطیل و تعویق رسیدگی (۲) از عدم قبول عرضحال و اعتراض بر حکم غیابی و عرضحال استینافی (۳) قرار محکمه در باب توقیف متهم شکایت- های مذکوره از قرار های محکمه باید در ظرف پنج روز از روز اعلام قرار محکمه بعمل آید شکایت از تعطیل و تعویق موعد مقرر ندارد و همیشه پذیرفته است

ماده ۲۸۶ -- استیناف از قرار محکمه صلح در باب توقیف متهم اجرای آنرا بتأخیر نمی اندازد مگر اینکه متهم وجه الضمانه ودیعه بگذارد یا کفیل بدهد

ماده ۲۸۷ - استیناف حکم محکمه صلح موجب تعویق اجرای آن است ولی اگر محکمه صلح قبل از صدور حکم قراری درباب توقیف متهم داده باشد موافق ماده قبل رفتار میشود

ماده ۲۸۸ - هرگاه بموجب حکم محکمه صلحیه متهمی که در توقیف است براءت حاصل نماید استیناف حکم اجرای آنرا بتعویق نمی اندازد و متهم باید رها شود .

ماده ۲۸۹ - شکایتهای مذکوره در ماده قبل در یک نسخه بمحکمه صلح و در نسخه دیگر بمحکمه جنحه داده می شود و امین صلح مکلف است که اوراق و منضمات کار را در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از وصول شکایت بمحکمه جنحه بفرستد .

مبحث دهم

در رسیدگی استینافی در محکمه جنحه

ماده ۲۹۰ - رسیدگی استینافی بترتیبی بعمل میاید که برای رسیدگی محاکم جنحه مقرر است طرفین بر حسب اصول احضار میشوند ولی اگر حاضر نشوند رسیدگی به تاخیر نمی افتد مگر اینکه محکمه حضور آنانرا لازم بداند

ماده ۲۹۱ - رسیدگی استینافی بقرائت حکم محکمه صلح و عرضحال استینافی شروع میشود و بعد طرفین توضیحات خودرا میدهند و هرگاه لازم شود استماع شهادت شهود و همچنین در صورت لزوم تحقیقات و معاینات تجدید میشود و اگر طرفین یا طرفی دلایل جدیدی دارند

اقامه می‌تایند و توضیحات لازمه را برای روشن کردن مسئله رئیس محکمه و مدعی العموم می‌خواهند .

ماده ۲۹۲ -- هر گاه امر از ام وری است که میتوان باصلاح ذات‌البین ختم نمود محکمه قبل از حکم تکلیف صلح مینماید

ماده ۲۹۳ -- مدعی العموم قبل از صدور حکم اهمیت دلایل طرفین و همچنین بقوانین اشاره کرده عقیده خو را اظهار می‌دارد و پس از آن باز رئیس محکمه یک دفعه بمتهم یا وکیل اجازه نطق داده مجاکمه را ختم میکند

ماده ۲۹۴ - امین صلح را میتوان برای توضیحات بمحکمه خواست ولی پس از دادن توضیحات باید از محکمه خارج شود

ماده ۲۹۵ - محکمه جنحه در حکم خود حکم محکمه صلح را تایید و تصدیق مینماید و یا حکم جدیدی میدهد ولی مجازات را نمیتواند شدیدتر معین کند مگر بتقاضای مدعی العمومی و آنهم بمداز اقامه دلایل

ماده ۲۹۶ -- صدور حکم و اعلان آن و سایر ترتیبات راجعه به حکم بطوری است که برای مجاکم جنحه مقرر است و حکمی که پس از رسیدگی استینافی صادر میشود قطعی است

مبحث یازدهم

در تمیز

ماده ۲۹۷ - تمیز احکام قطعی محاکم جنحه (که استینافا صادر شده) در مواردی و به ترتیبی بعمل میآید که در باب پنجم این کتاب مقرر است بارعایت مواد آتی ماده ۲۹۸ - احکام قطعی محاکم صلحیه غیر قا بل تمیز است هرگاه حکم قطعی محاکم جنحه (استینافا صادر شده) راجع بتوقیف متهم باشد تمیز حکم مذکور اجرای آنرا بتعویق میاندازد بشرط ودیعه گذاشتن وجه الضمانه بآدادن کفیل ولی اگر متهمی که در توقیف است بحکم محکمه جنحه برائت حاصل کند تمیز آن حکم اجرای آن را بتعویق میاندازد و متهم باید رها شود

ماده ۲۹۹ - اجرای حکم در مورد جزای نقدی یا تادیبه ضرر و زیان مدعی خصوصی بتعویق نمبافتد مگر اینکه وجه الضمانه از محکوم گرفته شده در صندوق محکمه یا جای مطمئن دیگری تا صدور حکم تمیز ودیعه گذاشته شود

مبحث دوازدهم

در اجرای احکام محاکم صلحیه

ماده ۳۰۰ در موارد ذیل احکام محاکم صلحیه

قطعی میشود (۱) هرگاه طرفین اعلام نمایند که حق استیناف خود را ساقط مینمایند (۲) هرگاه حکم محکمه در موعد مقرر استیناف نشود (۳) هرگاه بحکم غیابی در موعد مقرر نه اعتراض شود و نه از حکم مزبور در مواردی که قابل استیناف بوده استدعای استیناف شود .

ماده ۳۰۱ - احکام قطعی محاکم صلحیه توسط صاحب منصبان اجرا یا نظمیه اجرا میشود بطوریکه قانون معین میکند
ماده ۳۰۲ - هرگاه حضور مقصر محکوم در حین

اجرا لازم شود خود او را شخصا احضار میکنند و اگر حاضر نشد جلب میکنند و اگر محکوم در حوزه محکمه صلحیه دیگری باشد اجرای حکم بتوسط آن محکمه بعمل میآید
ماده ۳۰۳ - خسارت محکوم له را نمیتوان از محکوم

علیه باقساط گرفت (در صورت عدم استطاعت تادیه تمام آن) در حین تادیه قبض رسید بمحکوم علیه داده و مقدار وجه در دفتر قید میشود در صورتیکه در موعد مقرر اقساط را بمحکوم علیه نرسانید اقام فوری برای اجرای حکم بعمل میآید

ماده ۳۰۴ - محکومین بتوقیف را باید در توقیفگاه

فصل پنجم

در رسیدگی بمحکمه جنحه

مبحث اول

در اصلاحیت محکمه جنحه و کیفیت

شروع بمحاکمه

ماده ۳۰۵ - محکمه جنحه در یکی از مواد ذیل اقدم
برسیدگی جرمی که در جنحه های بزرگ است مینماید
(اول) بموجب تقاضانامه مدعی العموم ابتدائی (دوم)
برحسب عرضحال مدعی خصوصی (سوم) بموجب صدور
حکم محکمه استیناف در تعقیب امر جزائی

ماده ۳۰۶ - در جنایات لازم است قبل از محاکمه
تحقیقات مقدماتی و استنتاجات بعمل بیاید ولی در موارد
جنحه هرگاه مدعی العموم بتواند بیان ادعان خود را بدون
تحقیقات و استنتاجات مستنطق بمحکمه بدهد میتواند همینکه
امری را از صلاحیت محکمه جنحه دید اقدام نماید تا
در محکمه مذکوره رسیدگی شود

ماده ۳۰۷ - در امریکه بشکایت مدعی خصوصی تعقیب و محاکمه میشود هرگاه محکمه تحقیقات مستنطق را نظر باوضاع و احوال کار لازم نداند میتواند بدون تحقیقات اولیه و استنطاقات شروع بمحاکمه کند .

ماده ۳۰۸ - در مواردیکه مدعی العموم بیان ادعا به محکمه داده است سواد آن و صورت اشخاصیکه بمحکمه احضار میشوند بمتهم ابلاغ و اعلام میشود که هرگاه وکیل انتخاب کرده است بمحکمه معرفی نماید و همچنین اگر اشخاص دیگری غیر از کسانیکه در صورت قید شده باید بمحکمه احضار شوند معین نماید

ماده ۳۰۹ - متهم میتواند از رئیس محکمه خواهش کند وکیل برای او معین نماید وکلا از اشخاصی معین میشوند که موافق قانون صلاحیت وکالت را دارند در این صورت اقدامات وکیل مجانی خواهد بود .

ماده ۳۱۰ - متهم میتواند وکیل خود را تغییر بدهد یا از رئیس تعیین وکیل جدید را تقاضا کند ولی این تقاضا بیش از یک نوبت پذیرفته نمی شود .

ماده ۳۱۱ - هرگاه کسی در امر جنحه از کسی شکایت داشته باشد باید عریضه بمحکمه بدهد و آن عریضه باید شامل اسم و اسم پدر و محل اقامت خود و متهم باشد

ماده ۳۱۲ - بعد از تقدیم عرضحال محکمه طرف را

احضار مینماید و فاصله بین عریضه و رسیدگی لا اقل باید سه روز باشد هر گاه متهم در شهریکه مقرر محکمه جنحه است نباشد برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز اضافه می شود در صورتیکه متهم عندموجهی برای عدم حضور داشته باشد مهلت کافی داده میشود .

ماده ۳۱۳ - در صورتیکه مجازات متهم موافق قانون جزای نقدی باشد متهم میتواند وکیل بمحکمه بفرستد

ماده ۳۱۴ - هر گاه جزای متهم موافق قانون غیر نقدی باشد در صورتیکه محکمه حضور متهم را لازم بداند باید متهم شخصا در محکمه حاضر شود اگر چه وکیل داشته باشد

ماده ۳۱۵ - هر گاه متهم پس از احضار بدون عنذر موجه نه شخصا حاضر شد و نه وکیل فرستاد یا در موردی که باید شخصا در محکمه حاضر شود وکیل فرستاد در صورتی که محکمه حضور او را لازم بداند حکم جلب او را خواهد داد و تأدیه مصارف مجا که از بابت تأخیر برعهده متهم است و اگر حضور متهم را لازم نداند یعنی امر از اموری باشد که محکمه بتواند در غیاب متهم رسیدگی نماید رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد

ماده ۳۱۶ - در مواردیکه محکمه حکم غیابی میدهد باید اظهارات و توضیحاتی را که متهم در حین تحقیقات مقدماتی داده است در نظر بگیرد .

ماده ۳۱۷ - مدت اعتراض بر حکم غیابی پنج روز

است بعلاوه یکروز برای هر چهار فرسخ اقامتگاه متهم از محکمه ماده ۳۱۸ - هرگاه متهم در مورد مقرر حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد محکمه دلایل او را استماع نموده و حکمی که پس از آن صادر میشود غیابی محسوب نمیشود .

ماده ۳۱۹ - - هرگاه پس از صدور حکم غیابی شخص متمدن حاضر شده اعتراض و درخواست تجدید رسیدگی بنماید باید خسارت وارده بر طرف را که مطالبه و ثابت شده از عهده برآید

ماده ۳۲۰ - هرگاه محکوم علیه پس از صدور حکم حاضر شده و اعتراض بر حکم نماید در صورتیکه اعتراض او بر وفق صحت باشد آن حکم از درجه اعتبار ساقط و حکم مجدد صادر میشود و هرگاه اعتراض او مقرون بصحت نباشد حکم سابق در اعتبار خود باقی میماند و لیکن محکوم علیه در موعد مقرر حق استیناف خواهد داشت

ماده ۳۲۱ - هرگاه مدعی خصوصی در موعد مقرر حاضر نشد و امر از اموری است که مدعی العموم در آن باب اقامه دعوی نکرده رسیدگی بکار موقوف میشود مگر اینکه مدعی العموم نظر بمصالح عامه تعقیب را لازم بداند ولی اگر رسیدگی موقوف شد باز مدعی

خصوصی میتواند در ظرف سه سال عرضحال جدیدی داده اقامه دعوی نماید

ماده ۳۲۲ - هرگاه متهم اعتراض بر حکم غیابی نماید و در رسیدگی مجدد مدعی خصوصی بدون عذر موجه حاضر نشود محکمه رسیدگی را بتأخیر نینداخته اظهارات و توضیحاتی را که مدعی خصوصی در حسن محاکمه غیابی سابق داده است در نظر میگیرد و حکم میدهد .

ماده ۳۲۳ - ثبوت جنحه و خلاف بواسطه اظهارات کتبی ضابطین عدلیه و راپورت اشخاصیکه برای تحقیق این امر مقرر شده اند و یا بواسطه اظهار مطلعین از واقعه بضمیمه تحقیقات محکمه حاصل میشود .

ماده ۳۲۴ - هرگاه اشخاصیکه برای تحقیق امور جرایم مقرر شده اند اعلام یا راپورتی در موارد جنحه بمحکمه بدهند اظهارات و اطلاعات آنان معتبر است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود

ماده ۳۲۵ - شهود تحقیق و اشخاصیکه در محکمه اظهار اطلاع مینمایند بدوا باید متعهد شوند که چیزی برخلاف واقع نگویند و محکمه از اسم و شغل آنان تحقیقات نموده منشی محکمه آن اطلاعات را ثبت مینماید پس از آن شروع بعنوان مطلب میکند شرایط شهود و ترتیب

استماع شهادت همان است که از ماده (۲۴۴) تا ماده (۲۴۹) مذکور است .

ماده ۳۲۶ - متهم یا وکیل او حق دارد بعد از آنکه حاضر شد بدفتر خانه محکمه رفته از دوسیه اظهارات مدعی خصوصی و عمومی نسبت بخود اطلاعات لازمه را تحصیل نماید

ماده ۳۲۷ - رسیدگی و تحقیقات محکمه عموماً باید علنی باشد باستثنای موارد ذیل (۱) در جرائم راجعه بعصمت (۲) در موارد اعمال شنیعه و جرائمی که بر ضد اخلاق حسنه است (۳) در اقداماتی که بر ضد احساسات مذهبی میشود (۴) در مواردی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت و انتظام مملکتی باشد محکمه قرار محاکمه سری را بعد از اظهار عقیده مدعی العموم میدهد

ماده ۳۲۸ - حضور اطفال و شاگردان مکاتب ابتدائیه و مدارس متوسط در محاکم جزائی ممنوع است وعده تماشاچی در محکمه باید باندازه وسعت مکان باشد و ازدحام و جمعیت بکلی ممنوع است

مبحث دوم

در محاکمه و حکم

ماده ۳۲۹ - تحقیقات و رسیدگی محکمه بدین طریق بعمل میاید بدو تقاضا، مدعی العموم که در ذیل دوسیه تحقیقات

و استنطاقات مستنطق درج شده یا مضمون احضار نامه که بواسطه تقاضا نامه مدعی العموم بمتهم فرستاده شده قرائت و اگر اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی شده عرض حال او خوانده میشود

بعد رئیس از متهم میپرسد که اقرار بجرم خود دارد یا نه در صورت اقرار هرگاه اقرار متهم صریح و موجب شک و شبهه یا تردیدی نباشد محکمه بطوریکه در ماده بعد مذکور است اقدام میکنند در صورت انکار یا وجود تردید در اقرار شروع بتحقیقات نمود شهود اگر باشند شهادت خود را بر حسب اصول میدهند بعد به آلات تحقیقه رسیدگی میشود

ماده ۳۳۰ - بعد از ختم تحقیقات هرگاه مدعی العموم اقامه دعوی کرده باشد رئیس مدعی العموم اجازه می دهد که ادعای خود را نموده اظهار عقیده نماید بعد متهم یا وکیلش توضیحات لازمه داده امضاء مینماید بعد از آنکه مذاکرات طرفین بقدر کفایت بعمل آمد رئیس قبل از ختم مذاکرات باز یک دفعه بمتهم اجازه میدهد که هرگاه اظهاری دارد بنماید و پس از آن هیئت محکمه برای دادن رای باطاق مشاوره میروند

ماده ۳۳۱ - در صورتیکه اقامه دعوی را مدعی خصوصی نموده بعد از افتتاح جلسه عرض حال مدعی خصوصی قرائت

میشود و بعد از آنکه سؤالات لازمه از متهم شد به استماع شهود و سایر تحقیقات اقدام و پس از ختم تحقیقات اول مدعی خصوصی اظهارات خود را می‌کند بعد مدعی العموم ادعای خود را نموده اظهار عقیده مینماید بعد متهم جوابهای لازمه یا توضیحات را میدهد پس از آنکه مذاکرات طرفین بقدر کفایت بعمل آمد رئیس باز یکدفعه اجازه نطق بمتهم داده مذاکرات را ختم مینماید

ماده ۳۳۲ - جهات رد از قرار ذیل است (۱) وجود قرابت نسبی یا سببی بین حاکم یا یکی از طرفین با اشخاصیکه در امر جزائی دخیل اند (ب) در صورتیکه حاکم ولی یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور حاکم باشد (ج) در صورتیکه حاکم یا عیال یا اولاد او وارث یکی از اشخاصیکه در امر جزائی دخیل اند بوده باشد (د) در صورتیکه حاکم در همان امر جزائی مستنطق یا مدعی العموم و یا جزو شهود یکی از طرفین باشد -

ماده ۳۳۳ - رد حکام در صورت وجود جهتی یا جهاتیکه در ماه قبل مذکور است باید لا اقل یکروز قبل از افتتاح جلسه رسیدگی بعمل آید مگر اینکه جهت رد بعد از انقضای مدت مزبور حادث یا کشف شده باشد در موارد مذکوره باید خود حکام هم از محاکمه استعفا نمایند .

ماده ۳۳۴ - اظهار رد بمحکمه داده میشود و محکمه

توضیحات لازمه را از حاکم مردود خواسته بدون حضور او قرار لازم را میدهد این قرار محکمه قبل از صدور حکم قابل شکایت نیست

ماده ۳۳۵ - مدعی العموم نیز باید در مورد رد استعفا نماید و اگر استعفا نکرد متهم یا مدعی خصوصی می تواند به مدعی العموم محکمه استیفاف شکایت نماید

ماده ۳۳۶ - در صورتیکه بعد از رسیدگی متهم از جرمی که باو نسبت داده بودند برائت حاصل کرد محکمه او را مرخص میکند

ماده ۳۳۷ - هرگاه جرم از درجه خلاف بوده و مدعی عمومی یا مدعی خصوصی ارجاع امر را به محکمه خلاف درخواست ننموده اند محکمه جنحه رسیدگی کرده حکم می دهد

ماده ۳۳۸ - احکام محاکم جنحه باید در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از صدور بامضای رئیس و اعضای محکمه برسد و ماهی دو مرتبه اصل احکام را مدعی عمومی مطالبه کرده ملاحظه میکنند منشی محکمه نمیتواند قبل از امضای حکم سوادی از آن بکسی دهد و الا از شغل خود معزول شده و دیگر بخدمت دولتی قبول نمیشود

ماده ۳۳۹ - در صورتیکه جرم متهم بدرجه جنایت باشد محکمه جنحه از رسیدگی امتناع مینماید

مبحث سیم

در استیناف احکام محاکم صلاحیه

ماده ۳۴۰ - استیناف موجب توقیف اجرای حکم نمی شود ولی اگر محکمه جنحه قبل از صدور حکم قرار ی در توقیف متهم بدهد و متهم از آن قرار استیناف به خواهد توقیف اجرای آن منوط به دادن وجه الضمانه با کفیل است

ماده ۳۴۱ - اگر استینافی که از حکم محکمه جنحه خواسته شده فقط راجع به مقدار ضرر و زیان باشد استیناف حکم باعث توقیف مجازات نمیشود

ماده ۳۴۲ - هرگاه مستأنف بواسطه یکی از قرارهای استیناف پذیر استیناف بخواهد سایر تحقیقات محکمه جنحه جای خود باقی میماند و استیناف قرار محکمه باعث تعطیل جریان محاکمه نخواهد شد یعنی محکمه جنحه منتظر حکم محکمه استیناف نشده محاکمه را امتداد میدهد

ماده ۳۴۳ - قرار هائیکه محکمه جنحه در ضمن محاکمه میدهد در موارد ذیل قبل از صدور حکم محکمه قابل استیناف است (۱) قرار های راجعه برد یا قبول عرایض و اعتراض بر حکم غیابی (۲) فرار های محکمه در باب جلوگیری متهم از فرار یا پنهان شدن یعنی خواستن

تامینات لازمه (از قبیل توقیف یا وجه الضمانه یا کفیل
(۳) قرارهائی مصکمه در تامین مدعی به دعوی خصوصی
(دعوی ضرر و زیان)

ماده ۳۴۴ - هرگاه محکمه جنحه نسبت بمتهمی که
توقیف است حکم اربی تقصیری صادر نماید این حکم
فورا اجرا میشود ولو اینکه مدعی عمومی یا مدعی خصوصی
استیناف بخواهد

ماده ۳۴۵ - محکمه استیناف باید بشرح استنطاقات و
تحقیقات اولیه ما رسیدگی نموده بعد از آن حکم بدهد
و هرگاه مستأنف از قرار مخصوص استیناف خواسته
محکمه فقط در همان موضوع رسیدگی مینماید کلیه محکمه استیناف
خارج از آن چه محکمه جنحه بدایتا رسیدگی نموده نمی
تواند مداخله نماید

ماده ۳۴۶ - متداعیین در موقع استیناف از موضوع
مطلب استینافیه نباید خارج شده مطلب دیگری بمیان
آورند ولی حق دارند دلائلی که راجع بموضوع محاکمه
است اظهار دارند اعم از آن که آن دلائل اسباب
تخفیف یا اشتداد مجازات شود

ماده ۳۴۷ - در صورتیکه محکوم علیه استیناف خواسته
باشد محکمه استیناف پس از رسیدگی میتواند نظر باوضاع

و احوال و دلائل امر در مجازاتیکه محکمه جنحه معین

کرده تخفیف بدهد یا بکلی آن حکم را نسخ کند

ماده ۳۴۸ - تشدید مجازات یا تعیین مجازات برای

متهمی که در محکمه جنحه برائت حاصل کرده است

فقط در صورتی در محکمه استیناف جایز است که استیناف

را مدعی العموم خواسته باشد

ماده ۴۴۹ - پس از آنکه مستانف عریضه استیناف

بدفتر خانه محکمه جنحه تقدیم نمود مدعی محکمه مزبوره

باید دوسیه آن محکمه را بضمیمه نتیجه تحقیقات خود در

ظرف ۲۴ ساعت نزد مدعی العموم استیناف بفرستد

ماده ۳۵۰ - مستانف در حال توقیف باشد بعد از تقدیم

عریضه استیناف و ثبت در دفتر مدعی العموم در ظرف

۲۴ ساعت او را بمحلی که بمحکمه نزدیک تر است تحویل

نماید که در مدت محاکمه آنرا توقف باشد

ماده ۳۵۱ - اشخاص مفصله از احکام غیر قطعی محاکم

جنحه حق استیناف دارند (۱) محکوم علیه (۲)

مدعی العموم محکمه ابتدائی در مواردیکه حکم برخلاف

ادعا نامه و عقیده او صادر شده و مشار الیه تسلیم بر آن

حکم ننموده (۳) مدعی خصوصی از حیث ضرر روزیان (۴) اشخاصی

که محکوم بتادیه ضرر و زیان مدعی خصوصی شده اند مدت استیناف ده روز است و این مدت از تاریخ اعلام حکم شروع میشود

ماده ۳۵۲ - روز رسیدگی بر حسب اصول بطرفین اعلام میشود طرفین میتوانند شخصا حاضر شوند یا وکیل بفرستند ولی اگر حاضر نشوند وکیل هم نفرستادند رسیدگی محکمه استینافی بتاخیر نمی افتد مگر در مواردیکه محکمه استیناف حضور طرفین و اشخاصی را که در امر جزائی دخیل اند لازم بداند

ماده ۳۵۳ - کیفیت محاکمه از قرار ذیل است (۱) قرائت صورت واقعه که بتوسط یکی از اعضاء محکمه نوشته است (۲) قرائت صورت استنطاقات (۳) کسب اطلاع از شهود و مطلعین اگر لازم باشد (۴) سئوالات و تحقیقات لازمه از طرفین (۵) اظهار عقیده مدعی العموم و اعتراض متهم - ترتیبات رسیدگی و صدور حکم موافق اصولی است که برای محاکم جنحه مقرر است

ماده ۳۵۴ - هرگاه طرف مستأنف لایحه توضیحات و اعتراضات خود را تاده روز رسیدگی تقدیم نکرده باشد محاکمه استینافی بتاخیر نمی افتد

ماده ۳۵۵ - احکام غیابی محکمه استیناف قابل اعتراض

است و اعتراض در همان مدت و بهمان ترتیب بعمل
 میآید که برای احکام غیابی محاکم جنحه مقرر است
 ماده ۳۵۶ - در صورتیکه بعد از محاکمه آنها میکه
 بشخص متهم وارد شده از قبیل هیچ یک از خلاف و
 جنحه جنایت نباشد و بموجب قانون نتوان او را مجرم شمرد
 محکمه شخص متهم را آزاد مینماید

ماده ۳۵۷ - هرگاه در محکمه استیناف معلوم شود
 جرمی که بمتهم نسبت داده شده از قبیل تخلف بوده و
 مدعی العموم و مدعی خصوصی هیچ یک رجوع آن را
 بمحکمه خلاف خواستار نشده اند محکمه استیناف رسیدگی
 کرده حکم میدهد و تخلف از قانون را بمحکمه جنحه
 اخطار می نماید

ماده ۳۵۸ - در صورتیکه در محکمه استیناف معلوم
 شود که جرم از قبیل خلاف و جنحه نبوده بلکه جنایت
 است محکمه متهم را نزد مستنطق میفرستند که تحقیقات
 لازمه بعمل آورده و در موارد لازمه موافق قانون حکم
 توقیف متهم را میدهد

ماده ۳۵۹ - در صورتی معین شود که حکم برخلاف
 قوانین محاکمات صادر شده و این تخلف باندازه مهم است
 که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی
 می اندازد محکمه استیناف حکم را باطل کرده و اساسا

نجدید رسیدگی مینماید.

ماده ۳۶۰ - محکوم علیه و مدعی عمومی میتوانند از حکم محکمه استیناف تمیز بخواهد مدعی خصوصی نیز این حق را نسبت بضرر و زیان خود دارد

فصل ششم

در محاکم جنائی

مبحث اول

در تشکیل محاکم جنائی

ماده ۳۶۱ و ۳۶۲ - بموجب ماده واحد - ۳ تیر ماه ۱۳۰۶ نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب شده . ماده واحد - محکمه جنائی تشکیل می شود از ۵ نفر اعضاء محکمه استیناف و در جاهائیکه محکمه استیناف بیش از یکشعبه نداشته باشد تکمیل عده از اعضاء علی البدل محکمه استیناف و حکام محاکم بدایت خواهد شد

ماده ۳۶۲ - وظایف مدعی العموم محکمه جنایت در دجلهائیکه محکمه استیناف بر قرار است بعهده مدعی العموم محکمه استیناف و در صورت ثبوت او بعهده یکی از وکلا

عمومی محکمه مزبوره که بر حسب اقدمیت نایب مناب مدعی العموم است میباشد منشی محکمه جنایت نیز دفتر دار محکمه استیناف است و در صورت غیبت او انجام وظایف بهمهده یکی از معاوین او بر حسب اقدمیت خواهد بود در صورتیکه محکمه جنائی در محکمه ابتدائی تشکیل شود مدعی العمومی و دفتر دار محکمه مذکورده وظایف خود را در آن محکمه نیز انجام میدهند

ماده ۳۶۴ - جلسات محکمه جنایت در هر سال برای دوره های معین مقرر است و در صورت احتیاج بطور فوق العاده نیز تشکیل میشود وزارت عدلیه دوره های جلسات عادی محکمه جنایت و مدت دوره های مزبوره را معین و بمحاکم جنائی اعلام خواهد کرد

ماده ۳۶۵ - تعیین روز افتتاح بارئیس محکمه است و همینکه محکمه جنایت افتتاح شد باید تمام جنایاتی که قبل از افتتاح واقع شده بان محکمه ارجاع شود و پس از اتمام امور مزبوره محکمه جنایت تعطیل میشود

ماده ۳۶۶ - احکامیکه از محکمه جنایت صادر میشود فقط قابل تمیز است

مبحث دوم

درمقدمات محاکمه جنائی

ماده ۳۶۷ - رئیس محکمه جنایت باید بمتهم اخطار

نماید که میتواند يك نفر وکیل مدافع برای خود انتخاب کند و در صورتیکه متهم بخواهد وکیل معین کند باید وکیل خود را یک هفته قبل از جلسه محاکمه بمحکمه معرفی نماید

ماده ۳۶۸ - هرگاه خود متهم نتواند وکیل انتخاب نماید با اجازه او یک نفر وکیل برای او انتخاب می نماید سلب حق تعیین وکیل مدافع از متهم باعث بطلان حکم است

ماده ۳۶۹ - اخطار مذکور ماده قبل باید کتبی باشد و ذیل آنرا رئیس و منشی محکمه و خود متهم امضا مینماید و در صورتیکه متهم استنکاف از امضاء نماید باید در ذیل آن ورقه استنکاف او را تصریح نماید و منشی محکمه امضاء نماید

ماده ۲۷۰ - در صورتیکه بر حسب ماده قبل اعلام لازم را بشخص متهم ننمایند سکوت او حق اعتراض او را که ممکن است باعث بطلان حکم شود ساقط نمیکند و متهم حق دارد که بعد او صدور حکم قطعی نیز اعتراضات خود را در این باب بنماید

ماده ۳۷۱ - متهم یا مدعی العموم میتوانند نسبت بقرار محکمه استیناف که رسیدگی امری را راجع بمحکمه جنایت کرده در موارد ثلاثه ذیل قبل از افتتاح جلسه محاکمه

اعتراض نموده نقل محاکمه را از محکمه بمحکمه دیگر بخواهند موارد مزبوره از موارد بطلان حکم است (اولاً) در وقتیکه محکمه صلاحیت رسیدگی امر را نداشته باشد (ثانیاً) در موردی که امر موافق قانون جنایت نباشد (ثالثاً) در وقتیکه محکمه طوری تشکیل شده که قانونی محسوب نمی شود

ماده ۳۷۲ - اظهارات مزبوره در ماده قبل باید کتبی باشد و بدفتر محکمه داده شود و دفتردار باید فوراً پس از ثبت اظهارات مزبوره را بمدعی العموم محکمه استیناف داده و مدعی العمومی مذکور باید بمدعی العمومی دیوان تمیز ابلاغ و محکمه مزبوره فوراً بدون اینکه منتظر نوبت شود رسیدگی کرده حکم دهد

ماده ۳۷۳ خواهش ابطال که راجع بموارد ثلاثه ماده ۳۷۱ است محاکمه را تا صدور حکم دیوان تمیز بتاخیر می اندازد ولی هرگاه استدعای ابطال بعد از افتتاح جلسه محاکمه یا در حین بعمل آید استدعای مزبور باعث توقیف محاکمه نمیشود و محکمه جنایت حکم قطعی را پس از صدور بدیوان تمیز می فرستد

ماده ۳۷۴ - نسبت با اعتراضات که بعد از اتمام مدت قانونی یا در حین محاکمه بعمل آمده راجع باینکه عقیده مدعی العموم در حین محاکمه استماعیاً اینکه موافق ماده ۳۶۷ عمل نشده نیز موافق ماده قبل رفتار میشود

ماده ۳۷۵ - هرگاه مدعی العموم محکمه استیناف یا متهم یا مدعی خصوصی بر رئیس محکمه جنایت اظهار دارند که غیر از شهود سابقه که اطلاعات خود را نزد مستنطق اظهار داشته اند کسان دیگر می باشند که از اصل واقعه اطلاع دارند و اطلاعات آنان در محکمه جنایت لازم باشد در اینصورت رئیس محکمه میتواند آنانرا برای ادای شهادت احضار نماید

مادد ۳۷۶ - هرگاه یکی از شهود از حضور در محکمه استنکاف یا مسامحه نماید باید جلب شود

ماده ۳۷۷ - وکیل متهم می تواند سواد دوسیه را که راجع بامر متهم است از محکمه بخواهد ولیکن مخارجی که تعلق می گیرد برعهده خود او می باشد و متهم نیز می تواند صورت اسامی مطلعین را از محکمه مجاناً بخواهد و رئیس محکمه و مدعی العمومی محکمه استیناف مکلفند که در اجرای این ماده کمال اهتمام را بنمایند

مبحث سوم

در تحقیقات و کیفیت محاکمه

ماده ۳۷۸ - شخص متهم آزادانه در معیت مستحفظین که مواظبت عدم قرار او می باشند در محکمه حضور مییابد و رئیس تحقیق از اسم و خانواده و سن و شغل و محل اقامت و مواد متهم بنماید

ماده ۳۷۹ - رئیس محکمه وکیل متهم را خطاب کرده اخطار می کند که مشارالیه نباید چیزی برخلاف وجدان و قوانین بگوید و باید در نطق خود رعایت ادب و مسالمت و ملایمت را بنماید

ماده ۳۸۰ - رئیس محکمه متهم را مخاطب داشته اظهار میدارد که از این ببعد باید کمال مواظبت را در آنچه ذکر میشود بنماید پس از آن خطاب بکاتب محکمه نموده اظهار میدارد که تقاضا نامه مدعی العموم را قرائت کرده و کاتب محکمه باید فوراً امر رئیس را مجری دارد

ماده ۳۸۱ - هرگاه اقامه دعوی را مدعی العموم کرده باشد رئیس محکمه بعد از قرائت تقاضا نامه مدعی العموم که در ذیل تحقیقات مستنطق در جلب بمحاکمه مندرج است علناً بمتهم تقصیرات او را اعلام داشته تمام دلائل تقصیر او را میگوید و جواب و توضیحات متهم را استماع میکند هرگاه متهم اقرار صریح بتقصیر خود ننماید محکمه بتحقیقات شروع مینماید بدین ترتیب که اگر شاهد و اهل خبره باشند استماع شهادت و اطلاعات آنها بعمل میآید و بالاتر ادوات استنطاق رسیدگی میشود پس از آن مدعی العموم ادعا نامه خود را بیان میکنند و بعد مقصر یا وکیل مدافع او توضیحات لازمه را داده اظهارات خود را مینماید بعد هرگاه مدعی العموم باز اجازه نطق خواست بمتهم نیز اجازه نطق داده میشود و پس از این که مذاکرات بقدر کفایت

بعمل آمد رئیس باز يك دفعه بمتهم اجاز ه نطق داده
مذاکرات را ختم میکنند

ماده ۳۸۲ - هرگاه اقامه دعوی را مدعی خصوصی
کرده باشد به طوری رفتار میشود که در ماده (۳۲۱)
مذکور است

ماده ۳۸۳ - مدعی العموم یا مدعی خصوصی باید در
ظرف ۵ روز قبل از محاکمه صورت اسامی شهود را با
تعیین شغل و محل اقامت و مولد و سن متهم بدهند و
متهم نیز باید در مدت مزبوره اسامی شهود خود را بشرح
فوق بمدعی العموم عرضه دارد و مدعی العموم و متهم حق
دارند که در موقع محاکمه باستماع شهود و مطلعین گه اسامی
آنان در مدت مزبوره بترتیبی که در این ماده مقرر است
داده نشده اعتراض نمایند و محکمه باین اعتراض رسیدگی
کرده قرار می دهند که محاکمه در حدود همان دوره
بتاخیر افتد

ماده ۳۸۴ - رئیس مکلف است بشهود تکلیف نماید
که باطاق علیحده رفته يك يك برای ادای شهادت حاضر
شوند و در صورت لزوم رئیس اقدام لازم را برای عدم
ارتباط شهود با یکدیگر و با متهم خواهد نمود

ماده ۳۸۵ - قبل از استماع شهادت اسم شغل و محل اقامت
و درجه قرائت نسبی یا سببی شاهد را با متهم یا مدعی خصوصی
را می پرسد و همچنین استعلام مینماید که سابقاً متهم را
همشناخته است یا نه .

ماده ۳۸۶ - هر يك از شهود و مطلعین پس از از اظهار اطلاعات خود باید در محكمه مدتی مكث کنند که اگر محكمه محتاج بتحقیقات ثانویه شود حاضر باشند مگر اینکه رئیس محكمه مكث آنان را لازم نداند و غایت مكث شهود و مطلعین تا زمانی است که هیئت حاکمه با طاق مشورت برای دادن رای میروند

ماده ۳۸۷ - پس از آنکه شهود مدعی عمومی و شهود مدعی خصوصی برای اثبات جنایت متهم اطلاعات خود را اظهار داشتند متهم می تواند از شهود خود بخواهد که اطلاعات خود را در محكمه اظهار دارند

ماده ۳۸۸ - رئیس محكمه باید بمنشی محكمه امر کند که هرگاه اختلافی در میان اطلاعات مطلعین مشاهده مینماید مرقوم دارد که با اطلاع سابق و لاحق ایشان مطابقت کند

ماده ۳۸۹ - قطع کلام مطلعین در اثنای اظهار اطلاعات آنان بکلی ممنوع است ولیکن متهم یا مدافع بعد از اتمام میتواند آنچه در بی تقصیری متهم لازم بداند بتوسط رئیس محكمه از مطلعین سؤال نماید و رئیس محكمه نیز میتواند آنچه را که در این باب لازم میدانند سؤال کند و همچنین مدعی العموم و مدعی خصوصی میتوانند بتوسط رئیس محكمه آنچه را که لازم میدانند از مطلعین سؤال نمایند

ماده ۳۹۰ - شرایط شهود همان است که از ماده

- (۲۴۴) الی ماده (۲۴۹) مذکور است
 ماده ۳۹۱ - مطلعین اعم اینکه از طرف مدعی عمومی
 یا مدعی خصوصی یا متهم باشند نمیتوانند در محکمه نجوی
 نمایند و یا ایضاحات از یکدیگر بخواهند
- ماده ۳۹۲ - پس از آنکه مطلعین اطلاعات خود را
 دادند متهم میتواند از رئیس بخواهد که بعضی از آنها
 را از محکمه خارج نموده و بعض دیگر ثانیاً بالا نفراد یا
 بالا اجتماع اطلاعات خود را بدهند و همچنین مدعی عمومی
 و رئیس محکمه این حق را دارند
- ماده ۳۹۳ - رئیس محکمه میتواند قبل از استماع
 اطلاعات از مطلعین یا در اثناء یا بعد از آن از متهم
 در هر موردی که مقتضی بداند استنطاق نماید و مراقب باشد
 که اعاده مذاکرات سابق نشود
- ماده ۳۹۴ - رئیس محکمه و مدعی عمومی و خصوصی
 و متهم میتواند کتبا مطالبی را که تحقیق میشود ادا داشت
 نمایند ولیکن باید بقدر امکان مواظب باشند که قطع کلام متکلم نشود
 ماده ۳۹۵ - رئیس محکمه میتواند در اثناء اظهارات مطلعین
 یا بعد از آن آلات و ادوات تحقیقیه را بمتهم ارائه بدهد و
 نسبت بهر يك از آنها از متهم تحقیقات لازم را بنماید
- ماده ۳۹۶ - هر گاه یکی از شهود بر خلاف واقع شهادتی
 داد پس از ثبوت رئیس محکمه باستدعای مدعی العموم
 یا مدعی خصوصی یا متهم امر بتوقیف او مینماید پس از آن

خود رئیس یا یکی از معاونان او استنطاقات اولیه لازم را در حق او بعمل آورده نتیجه استنطاقات را با آن شخص به محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد میفرستند

ماده ۳۹۷ - در صورتیکه مدعی خصوصی یا متهم یا یکی از مطلعین زبان فارسی نداند باید یک نفر که بالغ و رشید و محل اطمینان باشد مترجم برای او معین شود که در محکمه مطالب او را طابق النعل بالنعل ترجمه کند و آن مترجم قبل از شروع بترجمه باید متعهد شود که تغییری در مطالب و اظهارات متهم یا مطلعین ندهد

ماده ۳۹۸ - مدعی العمومی و خصوصی و متهم میتوانند مترجم را بترجماتی نپذیرند و لیکن باید دلائل عدم قبول را در محکمه اظهار دارند تا محکمه بعدم قبول مترجم قرار بدهد و آن مترجم باید از غیر هیئت حاکمه و مطلعین انتخاب شود ولو اینکه مدعی العمومی و متهم در باب انتخاب او تراضی کرده باشند

ماده ۳۹۹ - در صورتیکه مدعی خصوصی یا متهم یا مطلع گنگ و کر باشند و کتابت نیز نتوانند اشخاصی که از اشارات آنها استفاده مطالب میکنند به تعیین رئیس محکمه مترجم آنان واقع میشوند و هرگاه کتابت میتوانند باید منشی محکمه سوالات محکمه را در صفحه نوشته به آنان ارائه و جواب کتبی از آنان بخواهد

۴۰۰ -- در صورتیکه متهمین متعدد باشند و اساس اتهام مستند بیکی از آنان باشد رئیس محکمه باید ابتداء بمحاکمه متهم اصلی و بعد بمحاکمه سایرین شروع کند
 ماده ۴۰۱ - رئیس محکمه بعد از ختم بیانات مدعی العموم و متهم یا مدافع او حق ندارند برای اثبات یا نفی تقصیر متهم چیزی بگویند

ماده ۴۰۲ - بعد از تشکیل محکمه و اقامه دعوی تازمانی که هیئت محکمه رای خود را اظهار نداشته است محاکمه تعطیل نمیشود و هیچیک از اعضا حق ندارند بطریق آنجوی یا بنجوی دیگر مذاکراتی در اینموضوع بنمایند رئیس حق دارد تنفس باعضای محکمه و شهود و متهم و غیره بدهد ولی این تنفس نباید از اندازه لزوم خارج شود

مبحث چهارم

در حکم و اجرای آن

ماده ۴۰۳ - رئیس محکمه متهم را اخطار مینماید و منشی محکمه رای محکمه را در حضور متهم علناً قرائت می کند

ماده ۴۰۴ - در صورتیکه عدم تقصیر متهم معلوم شود رئیس حکم برهائی او مینماید مگر اینکه علت دیگری برای توقیف او موجود باشد بعد از آن محکمه در باب خسارت وارده بهریک از طرفین باحضور طرفین و مدعی العمومی حکم می دهد

ماده ۴۰۵ - متهم در صورتیکه برائت او از تقصیر ثابت شده میتواند از اشخاصی که باو تهمت زده اند در محکمه ادعای خسارت نماید و کسانی که قانوناً حق تفتیش در جنایات دارند مانند مدعی عمومی و اداره نظمی و ژاندارم از این قاعده مستثنی هستند و ادعای خسارت در آنان جایز نیست ولی شکایت از آنان بر رؤسای مستقیم آنان جایز است

ماده ۴۰۶ - هر گاه کسیکه برائت خود را از تقصیر در محکمه حاصل کرد دیگر هیچکس در خصوص این تقصیر حق تعرض باو ندارد

ماده ۴۰۷ - هر گاه متهم در حین محاکمه بجنایت دیگری متهم شد اعم از اینکه آن اتهام بواسطه اطلاعات شهود و مطلعین با بواسطه دلالت آلات و ادوات راجعه بآن جنایت باشد بعد از اثبات برائت او از تقصیری که محاکمه شده از حث جنایت دیگر بر تریبی که اصولاً مقرر است با او رفتار میشود

ماده ۴۰۸ - در صورتی که تقصیر مقصر قابل مجازات باشد محکمه مجازات قانونی او را معین مینماید اگر چه از محاکمه معلوم شود که رسیدگی بآن از وظایف محکمه جنایت خارج است

ماده ۴۰۹ - در صورتیکه مقصر در ارتکاب تقصیر معذور بوده مثل اینکه غیر بالغ یا مجنون باشد یا در مقام

مدافعه مرتکب تقصیر شده باشد محکمه حکم مقتضی را اعم از آنکه بر تخفیف مجازات یا بر استخلاص یا بفرستادن مجنون بدارالمجانین یا امثال آن باشد بطوریکه قانون تصریح میکند خواهد داد

ماده ۴۱۰ - هیئت محکمه برای صدور حکم باطاق مشاوره میروند و پس از مذاقه و دادن رای رئیس محکمه باید مواد قانونی را که مبنای حکم است قرائت نموده و پس از آن حکم را اعلام نماید منشی محکمه باید مواد قانونی را که بدان مجازات شخص مقصر معین گردیده با حکم محکمه مرقوم دارد و اگر تخلف از این وظیفه نماید تومانی از مقرری او کسر خواهد شد

ماده ۴۱۱ - محکمه در وقت صدور حکم راجع بمجازات مقصر باید حکم خسارت مدعی خصوصاً رانیز هرگاه تقاضا شده باشد بدهد

ماده ۴۱۲ - در مدت ۲۴ ساعت باید اصل حکم بتوسط منشی محکمه بامضاء و مهر هیئت حاکمه برسد و در صورتیکه منشی محکمه از اداء این تکلیف تکاهل ورزد بطریقیکه در ماده (۴۱۰) ذکر شد مجازات میشود

ماده ۴۱۳ - محکوم علیه حق دارد از زمان ابلاغ حکم باو در ظرف ۵ روز تمیز بخواهد و باید این مطلب را کتبا بمنشی محکمه اظهار دارد و مدعی العمومی و همچنین

مدعی خصوصی (در حقه
 که در مدت مزبور از
 ماده ۴۱۴ - کلیه ا-
 جنایت صادر میشود امر
 محکمه خواهد بود که -
 تواند در موقع اجرای
 عمومی (نظمی و ژاندا
 ماده ۴۱۵ - اصول
 اصولی است که برای محاکم جز
 تکلیف آن تصریح شده است

فصا

مواد ۴۱۶ الی ۲۹
 ۱۳۰۶ نسخ و بجای
 شده است

« جرمهائیکه که مطابق
 محکمه شرع رسیدگی میشه
 مجازات آنها منحصر بحد
 قانون مجازات عمومی مج
 و بوسیله اداره مدعی
 می شود

باب چهارم

در تمیز احکام جزائی

فصل اول

در موارد استدعای تمیز

ماده ۴۳۰ - موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است.
(۱) در صورت نقص قوانین در باب تفسیر و مجازات
آن (۲) در مورد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات
جزائی در صورتیکه عدم رعایت قوانین مزبوره به اندازه
اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آنرا
از اعتبار حکم قانونی بپندازد

ماده ۴۳۱ - احکام محاکم جنحه که قطعاً (یعنی استینافاً)
صادر شده و احکام محاکم استیناف که بطور قطعی صادر
شده و یا اگر غیابی بوده در موعد مقرر اعتراض بحکم
غیابی نشده و قطعی گشته و احکام محاکم جنائی چه محاکم
مزبوره در محکمه استیناف تشکیل شده باشد و چه در
محکمه ابتدائی قابل تمیز است

فصل دوم

در اشخاصیکه میتوانند تمیز بخواهند

ماده ۴۳۲ - اشخاصیکه طرفیت در محاکمه داشته اند و یا آنکه از جهت حکم ضرری بر آنان وارد آمده حق خواستن تمیز را دارند

ماده ۴۳۳ - مدعیان عمومی ابتدائی و استیناف در صورتیکه تسلیم بر حکم محکمه نمایند میتوانند در موارد نقض قوانین در مدت مقرر قانونی استدعای تمیز نمایند

ماده ۴۳۴ - مدعی عمومی تمیز میتواند در موارد نقض قوانین استدعای تمیز از احکام و قرارهای مخالف قانون نماید بطوریکه در ماده (۴۶۴) و (۴۶۵) مقرر است

ماده ۴۳۵ - هر قرار یا حکمی را که وزیر عدلیه مخالف قانون دانست در صورتیکه قرار یا حکم مذکور قابل تمیز باشد میتواند بتوسط مدعی عمومی دیوان تمیز از آن قرار یا حکم تمیز بخواهد و مدعی عمومی مزبور در این مورد هیچوجه حق رای شخصی نخواهد داشت فقط موظف است که در دیوان مذکور جهاتی را که وزیر عدلیه نموده اظهار دارد و نیز در صورت لزوم توضیح اظهارات وزیر عدلیه را بدهد .

ماده ۴۳۶ - در تمیزیکه وزیر عدلیه می‌خواهد هیچ شرطی ملحوظ نیست اعم از آنکه در مدت مقرره باشد یا در غیر آن مدت ولی نقض دیوان تمیز حکم محکمه تالی را اثری برای طرفین نخواهد داشت

ماده ۴۳۷ - مدعی خصوصی نیز از حکم قطعی محکمه میتواند تمیز بخواند ولی فقط از حیث نقض قوانین که بحقوق شخصی و منافع او مؤثر است

فصل سوم

در مدت و طریق استدعای تمیز

ماده ۴۳۸ - مدت معمولی استدعای تمیز ده (۱) روز است و ابتدای آن در احکام حضوری از زمان اعلام حکم و در احکام غیابی از زمان ابلاغ آن بشخص محکوم علیه یا اقامتگاه او محسوب می شود

ماده ۴۳۹ - هرگاه مدعی خصوصی یا مدعی عمومی تمیز بخواند پس از آنکه عریضه تمیزی در دفتر محکمه

(۱) مطابق ماده ۲ قانون موقتی راجع به ودایع و مواعید که بموجب ماده واحده مورخه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ وضع شده است مدت ۵ روز مبدل به ۱۰ روزه شده

ثبت شد باید در ظرف سه روز باضافه يك روز برای هر چهار فرسخ مفاد عریضه تمیزی بطرف یا محل اقامت او ابلاغ شود و در صورتیکه ظرف در حبس باشد باید منشی شعبه مزبوره در مجس رفته مضمون عریضه را برای او قرائت نموده و بامضاء و مهر او برساند و در صورتیکه خط یا مهر نداشته باشد و یا آنکه امتناع از امضاء یا مهر کند در آنورقه قید می شود

ماده ۴۴۰ - هر يك از مدعی خصوصی یا محكوم علیه که تمیز بخواهند باید تمام دلایل حقایق خود را در ورقه نوشته یا عریضه تمیزی بدفتر محکمه که حکم قطعی داده است تقدیم دارند که دفتر مذکور پس از ثبت بتوسط مدعی العمومی ابتدائی یا مدعی العمومی استیناف بمحکمه تمیز بفرستد در لایحه مزبور باید جهات استدعای تمیز و مبانی قانونی و مواد شکایت و تصریح باینکه از چه جهت عارض تمیز می نماید و از کدام محکمه و در چه تاریخ حکم صادر شده است قید کنند دوسیه کار بآلات و ادوات تحقیق و ضمایم آن بدفتر دیوان تمیز ارسال می گردد

ماده ۴۴۱ - در طهران میتوان عرضحال را مستقیماً بدفتر خانه تمیز داده و در ولایات بمحکمه که از حکم آن استدعای تمیز می شود داده میشود دفاتر محاکم بعد از دریافت عرضحال قبض رسید بعارض میدهد

ماده ۴۴۲ - اشخاصیکه تمیز می خواهند ده تومان برسم وجه الضمانه بدفتر تمیز خواهند دادوجه مزبور در صورت محق بودن عارض باو مسترد و الا از بابت مخارج مجاکمه محسوب میشود تکلیف اشخاصیکه از حیث ضرر و زیان شخصی تمیز می خواهد در این مورد موافق قانون مجاکمات حقوقی است

ماده ۴۴۳ - اداره مدعی العمومی و همچنین مامورین دولتی در صورتیکه امری راجع بامور اداری یا از مستملکات دولتی (خالصجات) باشد از تادیه مبلغ مذکور در ماده فوق معاف خواهند بود و همچنین اشخاص فقیر و بی بضاعت از تادیه وجه مزبور معافند .

فصل چهارم

در اثرات تمیز و طریق شروع بمحاکمه

ماده ۴۴۴ - خواستن تمیز حکم موجب تعلیق اجرای آن است تعلیق عبارت است از موقوف الاجراماندن حکم تا ختم مجاکمه در دیوان تمیز .

ماده ۴۴۵ - هرگاه در باره متهمی که در توقیف است حکم برائت صادر شد استدعای تمیز اجرای حکم را بتعویق نمی اندازد و متهم رها میشود

ماده ۴۴۶ - استدعای تمیز اجرای حکم قطعی محکمه تالی را در صورتیکه محکوم بجزای نقدی و یا حکم راجع

بتادیه خسارت طرف باشد بتاخیر نمی اندازد مگر آنکه وجه محکوم به تا صدور حکم دیوان تمیز در صندوق محکمه یا جای مطمئن دیگری ودیعه گذاشته شود

ماده ۴۴۷ - دیوان تمیز پس از آنکه عریضه بتوسط یکی از متداعیین پذیرفت بطریقی که در موارد ذیل ذکر می شود اقدام می نماید

ماده ۴۴۸ - عرایضی که بدیوان تمیز داده میشود به ترتیب نمره رسیدگی خواهد شد مگر در موارد فوری ماده ۴۴۹ - صورت عرایض در دفتر دیوان تمیز

ثبت شده و توسط رئیس شعبه جزا باضمایم آن بزمین داده می شود تمیز بدون اینکه در باب قبول یا رد استدعای حیوان تمیز قبلاً قراری بدهد شروع بر رسیدگی کرده عرض حال را رد و یا حکم صادر را نقض یا ابرام مینماید ماده ۴۵۰ - ممیزین بترتیبی که اوراق مذکوره در ماده فوق بدیشان تقدیم شده پس از تحقیقات با خلاصه

لاستنباطات خود بشخص رئیس رد مینمایند

ماده ۴۵۱ - در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت مینماید متداعیین یا وکلاء آنان با اجازه رئیس رئیس شعبه مطالب خود را اظهار میدارند و مدعی العموم بخیر عقیده خود را اظهار میدارد و دیوان تمیز پس از آن با کثرت آراء حکم میدهد

ماده ۴۵۲ - متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار

میشوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم بتأخیر نمی افتد
 ماده ۴۵۳ . پس از آنکه طرفین بر حسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان تیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست

فصل پنجم

در رد و قبول عریضه تمیزی

ماده ۴۵۴ - در صورتیکه عریضه تمیزی قابل قبول
 نباشد رد میشود

ماده ۴۵۵ - رد عریضه تمیزی منتج دو امر است (۱)
 اجرای حکم صادر از محکمه تالی (۲) مسجوب شدن
 وجه الضمانه از بابت مخارج محاکمه

ماده ۴۵۶ - پس از آنکه دیوان تمیز امری را پذیرفته
 و بعد از محاکمه حکم محکمه تالی را نقض نمود باید مسئله
 را بدون داخل شدن بماهیت دعوی ارجاع بمحکمه دیگری که
 در عرض محکمه است که حکم داده بنماید

ماده ۴۵۷ - هرگاه عرضحال تمیزی را دیوان تمیز
 رد کرد استدعای تمیز مجدداً قبول نمیشود

ماده ۴۵۸ - دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتیکه
 حکمی را نقض کند ارجاع بمحکمه دیگری نخواهد نمود و

اینموارد را موارد نقض بلا ارجاع گویند (اولاً) در صورتیکه (در موارد عرفی) مرور زمان قانوناً موجب اسقاطحق اقامه دعوی شده باشد (ثانیا) در صورتیکه نقض راجع به اساس حکم نباشد بلکه راجع باموری باشد که باساس حکم خلل وارد نمیآورد (ثالثاً) در صورتیکه حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخصی بعنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانوناً داخل در جرم نبوده و اصلاً داخل در مجازات نیست (رابعاً) در صورتیکه در موارد تقصیرات سیاسی بعد از اعلان عفو عمومی حکم بمجازات مقصر سیاسی صادر شده باشد (خامساً) در موارد مواد (۴۳۰) و (۴۳۶) و (۴۶۴) این کتاب^۱

ماده ۴۵۹ - در صورتیکه مدعی خصوصی تمیزبخواهد و دیوان تمیز حکم محکمه تالی را از جهت حقوق خصوصی نقض کند رسیدگی را بمحکمه حقوق ارجاع میدارد

ماده ۴۶۰ - هرگاه محکمه تالی در تعیین مجازات تقصیری اشتباها استناد بیک ماده دیگر قانونی نموده ولی از این اشتباه تغییری در اندازه مجازات حاصل نشده باشد در این صورت حکم محکمه تالی نقض نمیشود ولی اخطار لازم بمحکمه که حکم داده خواهد شد

ماده ۴۶۱ - بعد از قبول عریضه تمیزی و نقض حکم محکمه تالی محکوم علیه باید مخارج محاکمه و خسارات طرف را بعد از مطالعه و اثبات تادیه کند

فصل ششم

در کیفیت امر بعد از نقض و ارجاع

ماده ۴۶۲ - در صورتیکه دیوان تمیز حکمی را نقض نموده و بمحکمه دیگر ارجاع کند اگر شخص محکوم علیه یا مدعی العمومی از جهتی غیر از جهت اولی تمیز بخواهد ترتیب خواستن تمیز و رسیدگی آن در دیوان تمیز بهمان ترتیب اولی خواهد بود ،

ماده ۴۶۳ - هرگاه شخص محکوم علیه از همان عدل اولیه تمیز بخواهد دیوان تمیز در آن باب اجتماع عمومی نموده و رسیدگی خواهد نمود و اگر در اینموقع دیوان تمیز حکم محکمه را از همان نقض نموده محکمه تالی مرجوع نالیها باید اطاعت حکم محکمه تمیز را بنماید

فصل هفتم

در مواردیکه مدعی العمومی دیوان تمیز

از احکام قطعی محاکم تالی تر تمیز بخواهد

ماده ۴۶۴ - در صورتیکه محکمه جنحه یا محکمه استیناف

و یا جنایت قراری دهد یا حکمی صادر نماید که قابل تمیز باشد و هیچیک از طرفین در مدت مقرر تمیز از آن امر نخواهد مدعی العمومی دیوان تمیز من باب حفظ قانون از آن حکم تمیز میخواهد و دیوان تمیز پس از رسیدگی اگر اظهارات مدعی العمومی را موافق قانون دید نقض مینماید ولی نقض آن حکم نفع یا ضرری از برای طرفین نخواهد داشت (تقاضای تمیز و نقض در این موارد برای حفظ قانون است)

ماده ۴۶۵ - تمیزیکه مدعی العموم دیوان تمیز میخواهد محدود ب مدت نیست و هر وقت مطلع شد میتواند تقاضای تمیز نماید

باب پنجم

در اعاده محاکمه یا تجدید نظر

ماده ۴۶۶ - موارد قانونی اعاده محاکمه احکام قطعی محاکم (اعم از اینکه بموقع اجرا گذاشته شده یا نشده باشد) از قرار ذیل است (اول) وقتیکه چند نفر به اتهام ارتکاب بتقصیری محکوم شده اند و تقصیر طوری است که بیش از یک مرتکب نمی تواند داشته باشد

(دویم) وقتیکه کسی با تهاّم قتل شخصی محکوم شده که آن شخص بعد پیداشده و یا محقق شده که در حال حیات است (سوم) در مواردیکه ثابت شود که مقصر بی تقصیر بوده یا آنکه جزائی که برای او معین است بواسطه اشتباه حکام عدلیه قانونا متناسب یا تقصیر او نیست (چهارم) کشف و ثبوت اسناد جعلی یا شهادت جعلی که مبنای حکم بوده است

ماده ۴۶۷ - اشخاصی که صلاحیت استدعای اعاده محاکمه را محاکمه را دارند از قرار ذیل می باشند (۱) محکوم علیه یا در صورت فوت او عیال و وراث قانونی او و همچنین اشخاصیکه از طرف او ماموریت مخصوص در این باب داشته اند (۲) در خواست مدعی العموم تمیز که مبتنی بر حکم و ماموریت از طرف وزیر عدلیه باشد

ماده ۴۶۸ - استدعای اعاده محاکمه بدیوان تمیز داده می شود دیوان مزبور پس از آنکه اطمینان از جهت اوضاع و احوالی که باعث استدعای اعاده محاکمه شده است حاصل کرد رسیدگی کار را به محکمه دیگری که صلاحیت رسیدگی را دارد و در عرض محکمه ایست که حکم داده است رجوع می کند

ماده ۴۶۹ - رای دیوان تمیز در باب قبول اعاده محاکمه اجرای حکم را در صورتیکه اجرا شده باشد تا زمانی که اعاده محاکمه بانتهای رسیده و حکم مجرد صادر شود

بتعویق میاندازد ولی تامین لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم علیه بعمل میاید

ماده ۴۷۰ - بعد از شروع بمحاکمه ثانوی هرگاه دلایلی که محکوم علیه اقامه کند قوی باشد اثرات حکم فورا توقیف و تخفیف لازم نسبت بحال محکوم علیه مجری می شود ولی تخفیف مزبور نباید باعث فرار محکوم علیه از محاکمه یا مخفی شدن او بشود

ماده ۴۷۱ - در موارد جنحه نیز استدعای اعاده محاکمه پذیرفته است مگر در مورد محکومیت بجزای نقدی

ماده ۴۷۲ - رسیدگی ثانوی تابع قواعد و اصولی است که برای محاکمه بامور جزائی مقرر است و اعتراض شکایات موافق همان اصولی میشود

باب ششم

در اجرای احکام و مخارج عدلیه

فصل اول

در احکامی که بموقع اجراء

گذاشته میشود

ماده ۴۷۳ - احکام جزائی محاکم عدلیه در موارد

ذیل بموقع اجرا گذاشته میشود (۱) در موارد احکام غیر قطعی که مدت استیناف و تمیز آن ها منقضی شده یا اینکه مدعی العموم و محکوم علیه از حق استیناف و تمیز خود صرف نظر کرده اند (۲) در مواردیکه محکوم علیه با احکام غیابی در مدت مقرر اعتراض نکرده و مدت استیناف و تمیز هم منقضی شده (۳) در صورتیکه از احکام قطعی نه مدعی العموم استدعای تمیز نموده و نه محکوم علیه (۴) در صورتیکه استدعای تمیز احکام قطعی قبول نشده است

ماده ۴۷۴ - هرگاه حکمی که صادر شده راجع به چند نفر محکوم علیه باشد و بعضی از آنها در مدت مقرر از حکم مذکور شکایت نمایند حکم مذکور بعد از انقضای مدت استیناف یا تمیز در باره سایر اشخاص که شکایت نکرده اند یا با اشخاص شکایت کننده ملحق نشده اند قابل اجرا خواهد بود

ماده ۴۷۵ - هرگاه در مدت مقرر از حکمی فقط نسبت بضرر و زیان شکایت شود مفاد آن حکم نسبت بسایر موادی که موضوع شکایت نیست به موقع اجراء گذاشته می شود

فصل دوم

در اشخاصیکه احکام را مجری میدارند

ماده ۴۷۶ - اجرای احکام تا اندازه که خارج از

اقدامات بلا واسطه محاکم نیست از قبیل اعلام بی تقصیری متهم و مرخصی او بتوسط خود محاکم بعمل می آید ماده ۴۷۷ - هر گاه اجرای حکم باید بتوسط مامورین بعمل آید دادن تعلیمات آن بعهده مدعی العموم است و در اینصورت محکمه صورت حکم را با تصریحات لازمه بمدعی العموم ابلاغ میکنند و هرگاه اطلاعات مصرح در حکم کافی نباشد سوادى بمشار الیه از صورت مجلس رسیدگی و محاکمه داده میشود

ماده ۴۷۸ - مدعی العموم در باب اجرای حکم تعلیمات لازمه را بمامورین دولتی داده نظارت در صحت اجراء و عدم تعویق و تعطیل آن مینماید اموری که از وظایف نظمی است بنظمیه و اجرا آتی که راجع بحکومت محلی یا سایر ادارات است باها رجوع میشود و ادارات و اشخاص مزبوره مکلفند که مطابق مفاد حکم و تعلیمات مدعی العموم که باید با حکم موافقت داشته باشد اقدام نمایند

ماده ۴۷۹ - هر گاه از مفاد حکم شك و شبهه یا سوء تفاهمی حاصل شود باید ادارات و اشخاص مزبوره توسط مدعی العموم بمحکمه حاکمه رجوع کرده توضیحات بخواهند ماده ۴۸۰ - اجرای احکام راجعه بوجوه نقدی از قبیل تادیبه خسارت و مخارج عدلیه بعهده صاحب منصبان اجرای عدلیه است

ماده ۴۸۱ - همین که حکم بموقع اجرا گذاشته شد مدعی العموم بوزیر عدلیه اطلاع میده

فصل سیم

در ترتیب اجرای احکام جزائی

ماده ۴۸۲ - احکام جزائی همینکه قابل اجرا شد فوراً بموقع اجرا گذاشته میشود

ماده ۴۸۳ - هر گاه حکم محکمه در برائت مقصر صادر شد حکم در حین اعلان اجرا می شود و شخص بری الذمه اگر متهم بتقصیر دیگری نباشد باید از تحت مراقبت و توقیف خارج شود

ماده ۴۸۴ - در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً بموقع اجرا گذاشته نمیشود

- (۱) در مورد محکوم علیه مریض در صورتیکه مرض او مانع از اجرای مجازات بشخص اوست (۲) در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده اند تا ۴۰ روز بعد از وضع حمل (۳) در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر میدهند تا زمانیکه طفل آنان سن دو سال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضرری بطفل برساند (۴) در مورد لزوم تبدیل مجازاتی بمجازات دیگر که مطابقت

داشته باشد در اینصورت اجرای مجازات اولی تا امر تبدیل بعمل نیامده است بتعویق میافتد (۵) در صورت فرار محکوم علیه که اجرای حکم تا زمان دستگیر شدن او بتعویق میافتد ولی تادیه خسارت مخارج عدلیه از مال او بعمل میاید

ماده ۴۸۵ - قبل از قصاص باید آداب منهدبی توسط اشخاصیکه صلاحیت دارند نسبت بمقصر بعمل آید در موقع قصاص یا قتل باید مدعی العموم محکمه جنائی و همچنین رئیس نظمیه و منشی محکمه حاضر باشند و اگر اجرای حکم در محوطه محبس می شود باید رئیس محبس حضور داشته باشد وکیل محکوم علیه نیز میتواند حاضر باشد بعد از حاضر کردن محکوم علیه در محل اجرای حکم مدعی العموم حکم اجرا را میدهد و منشی محکمه حکم محکمه را بصدای جلی قرائت میکند پس از آن حکم را مباشر اجرا مجری میدارد و صورت مجلسی مرتب و بامضای حضار میرسد

ماده ۴۸۶ - اشخاصی که محکوم بحبس هستند نزد روسای محبس با صورت حکم محکمه فرستاده میشوند

ماده ۴۸۷ - مدتی که محکوم علیه تا زمان اجرای حکم در توقیف بوده است جزء مدت حبسی که برای او بحکم محکمه مقرر است محسوب خواهد شد غیر از مواردی

که محکمه حکم بدهد که زمان توقیف سابق نباید حساب شود هرگاه محکوم علیه در زمان محاکمه و قبل از صدور حکم در توقیف نبوده است مدت حس از زمانی حساب می شود که مشار الیه را توقیف کرده اند

ماده ۴۸۸ - طفل رضیع را از مادری که محکوم بحبس یا تبعید شده جدا نمیکنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را بیدر یا اقربای دیگر او بسپارد

ماده ۴۸۹ - اشخاصیکه بنفی بلد و بودن در تحت نظارت نظمیة محل محکوم شده اند بمحل لازم فرستاده شده با-اره نظمیة و حاکم محل اطلاع داده میشود

ماده ۴۹۰ - اجرای احکامیکه توسط صاحب منصبان اجرا بعمل میاید بترتیبی است که برای اجرای احکام حقوقی محاکم عدلیه مقرر است

ماده ۴۹۱ - حکم برائت متهم در صورت تقاضای او بخرج خودش در مطبوعات رسمی اعلان میشود

فصل چهارم

در مخارج عدلیه

ماده ۴۹۲ - تمام مخارج عدلیه برعهده محکوم علیه است ولی اگر مدعی خصوصی باشد او بدوا میپردازد و

اگر نباشد صندوق پرداخته و بعد از محکوم علیه دریافت شده بدعی خصوصی یا صندوق مسترد میشود.

ماده ۴۹۳ - - مخارج عدلیه از قرار ذیل است: مخارج حرکت مامورین تحقیق حق الزحمه اهل خبره و مترجمین و طبیب و ارسال اسباب و آلات و ادوات تحقیقیه از هر نوع که باشد و خرج حرکت صاحبانان نظمی که ماموریت مخصوصی راجع بامر جزائی به آنان موکول شده و خرج حرکت اطبای قانونی که در خدمت دولت هستند و حق الزحمه شهود و مطلعین و مخارج طبع اعلانات در موارد لازمه.

ماده ۴۹۴ - مقدار مخارج بموجب تعرفه که در وزارت عدلیه مرتب و اعلان خواهد شد معین می شود و محکمه مطابق همان تعرفه مقدار کلیه مخارج را معین کرده در حکم قید میکند.

ماده ۴۹۵ - کلیه اوراقی که مستنطق یا مدعی العموم یا محکمه داده میشود از عرضحال و اعتراض و شکایت نامه و غیره از تادیه حق تمبر و مخارج محاکمه معاف است ولی از اوراق و عرایض که راجع بادعای خسارات باشد ولی موافق تعرفه که برای دعاوی حقوقی مقرر است مخارج عدلیه اخذ میشود.

ماده ۴۹۶ - حق سواد برای هر صفحه همان است

که در اصول مجازات حقوقی معین است مفسسین از تادیبه حق سواد معافند .

ماده ۴۹۷ - هرگاه کسی تا صدور حکم مطالبه خسارت از بابت مخارج عدلیه نکرده مثل این است که از حق خود صرف نظر کرده باشد .

ماده ۴۹۸ - مامورین تحقیق باید حساب مخارج را بطور صحت نگاهدارند و مستنطق بضمیمه نتیجه تحقیقات خود صورت مخارج را به محکمه می دهد ،

ماده ۴۹۹ - محکوم علیهم متعدد باشند مخارج عدلیه میان آنان تقسیم می شود و محکمه می تواند در این تقسیم نظر بمقصرین اصلی و فرعی داشته سهم هر یک را نظر باهمیت تقصیر معین می کند .

ماده ۵۰۰ - هرگاه مدعی خصوصی بدیحق شد مخارج عدلیه را که پرداخته است میتواند از مقصر مطالبه نماید

ماده ۵۰۱ - هرگاه مدعی خصوصی بدیحق در آمد و هتهم بری الذمه شد مخارج عدلیه بر عهده شخص بدیحق است

ماده ۵۰۲ - اگر در روز جلسه مقرره بدون عذر موجه مدعی خصوصی یا متهم حاضر نشود مخارج عدلیه از بابت آن جلسه بر عهده غایب است

ماده ۵۰۳ - در حکم محکمه همیشه باید معین شود که مخارج عدلیه بر عهده کیست و چه قسمت را کی باید

بدهد صورت تفصیلی مخارج را محکمه با تعیین این که
بچه وسیله و برای چه مقصود خرج شده است جداگانه
بعد از صدور حکم پرتب مینماید

ماده ۵۰۴ - هرگاه مخارج عدلیه شخصی تعلق گیرد
که محکوم بتادیه خسارت مدعی خصوصی شده است اول
مخارج عدلیه گرفته می شود پس از آن خسارت مدعی خصوصی
ماده ۵۰۵ - هرگاه بعد از آنکه حکم قابل اجرا شد

محکوم علیه وفات نموده مخارج عدلیه باید از مال او تادیه شود.

ماده ۵۰۶ - در صورتیکه محکوم علیه استطاعت تادیه
مخارج عدلیه را نداشته باشد و عدم استطاعت او مدلل

شود مخارج مزبور را در صورتیکه مدعی خصوصی نباشد صندوق
قبول میکند ولی هر وقت محکوم علیه مستطیع شد باید مخارج

مزبوره را تادیه کند



